

انقلاب ایران در مبارزه بر ضد امپریالیسم امریکا

بوجود آمده است

حجت الاسلام خوینی‌ها «همیشه دشمن است» و این واقعیت باید «بهنان شاخص و بعنوان یک میزان» سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باشد.

حجت الاسلام خوینی‌ها، که دشمنی همیشگی آمریکا را بعنوان شاخص و میزان سیاست خارجی ما عنوان کرده‌اند، به درستی به این نتیجه رسیده‌اند که: «کشورهائی که روابطشان با آمریکا بطوری است که بسا

خصوصیت آمریکا (و داروستانه دولتهای متحد و یا دست‌نشانده او) نسبت به انقلاب استقلال‌بخش ایران، نسبت به ایرانی مستقل، پایانبذیر نیست، چنانکه نسبت به هیچیک از کشورهای جهان، که در عصر ما خود را از چنگ سرمایه‌داری امپریالیستی رها ساخته‌اند، نسبت به هیچیک از کشورهای جهان، که استقلال خود را بدست آورده‌اند و یا در راه کسب استقلال خود می‌بازند، پایانبذیر نیست، چنانکه نسبت به هیچیک از کشورهای جهان، که استقلال واقعی و همه‌جانبه ایران عمل کند، محور اصلی آن باید مبارزه با آمریکا باشد، بعنوان دشمن همیشگی و آشتی‌ناپذیر باشد. «آمریکا» - بکنند

این گفته‌های حجت الاسلام خوینی‌ها می‌تواند، و بنظر مایاید، محور اصلی و اساسی متنی ما را در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تشکیل دهد. در واقع نیز انقلاب ایران رژیم دست‌نشانده شاه‌مملون را بعنوان مانع که سر راه مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا بود، برانداخت (انقلاب اول) و پس از آن، انقلاب بسوی هدف اصلی (استقلال) ادامه یافت و وارد مرحله «انقلاب بزرگتر از انقلاب اول» انقلاب برای ریشه کن کردن سلطه و نفوذ (سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی...) امپریالیسم، بسرگردگی آمریکا، گردید. این انقلاب ادامه دارد.

دشمن اصلی انقلاب امریکاست و برای همیشه آمریکا، آمریکا و دیگر دولتهای امپریالیستی متحد آمریکا، آمریکا و همه دولتهای دست‌نشانده آمریکا، امریکابنحوان سرگرد کرده امپریالیسم و ارتجاع جهانی خواهد بود.

تازه ترین شکل فعالیت ضد انقلاب: مخالفت با جیره بندی کالاهای ضرور

دکترین «ما می‌کنند، کمتر چیز تازه‌ای جز همان «خطر کمونیسم» و «ترسک سوسیالیسم» کهنه و مندرس پیدا میکنند. در شرایط کنونی نمیشود آشکارا گفت که جیره‌بندی لازم نیست، برای توده‌های مردم مضرت است، بداست. اینست که جیره‌بندی با «سوسیالیسم» مساوی و «سوسیالیسم» با «کومین» یکسان قلمداد میشود! کسی، نهادهای مقامی و ارگانی که دست به جیره‌بندی و بخش‌کوبی می‌زنند، سرور اصول «کمونیستی» و پیاده‌کننده «سوسیالیسم» معرفی میشود!

سوءاستفاده‌های کلان‌سرمایه دار وابسته، بزرگ‌مالک‌فازان و تاجر و محترک، که متأسفانه هنوز در کشور وجود دارند و با کمال بی‌انصافی به جیره‌بندی می‌کنند، و برکردن جیب خود مشغولند، ضروری است. همانطور که رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی، بکرات تذکر شده‌اند، انقلاب شکوهمند ایران را همین کسوف‌نشینان، همین مستضعفان کرده‌اند که اکنون جیره‌بندی صدام به ماتحتی‌شده است که امپریالیسم آمریکا از جهات مختلف تدارکات قبلی آنرا دیده بود، یعنی دارائیهای ایران را در بانکهای خود مسدود کرده، محاصره اقتصادی علیه ایران اعلام نموده، فشارها و تحریمات سیاسی، دیپلماتیک و ایدئولوژیک را در داخل و خارج ایران گسترش داده، تهاجمات مستقیم (طس و نوز) را پیاده کرده، «نیروهای واکنش سریع» را در منطقه بسیج نموده، ناوگان دریایی خود و هم‌پیمانان خود را در اقیانوس منگه و مجاور آن متمرکز کرده است. کنسولگری‌های سالیان دراز همه‌شرایط‌های حیاتی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی آن، با هزاران رشته مرئی و نامرئی، بوسیله رژیم خیانت‌پیشه شاهنشاهی در دست به نفوذ عمیق و سلطه خانمان برانداز اربابان ماوراء اقیانوس رژیم سیرده شده بود، واضح است که بادشوارای-های جدی رویرو میشد. در چنین شرایطی آشکار است که جیره‌بندی کالاهای مورد نیاز همگانی ضرورت پیدا میکند.

مردم زحمتکش مستضعف کشور هنوز از زیر بار فجاجع امپریالیسم جهانخواه، سرگردگی آمریکا، و میراث پلید رژیم طاغوتی دست‌نشانده آن کمر راست نکرده، دچار جنگ تحمیلی شده‌اند. ایمن جنگ که حلقه‌ای از زنجیر پیوسته توطئه‌های گسترده و برنامه‌ریزی شده امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری نوپای اسلامی ایران است، هنگامی بدست رژیم جنایتکار صدام به ماتحتی‌شده است که امپریالیسم آمریکا از جهات مختلف تدارکات قبلی آنرا دیده بود، یعنی دارائیهای ایران را در بانکهای خود مسدود کرده، محاصره اقتصادی علیه ایران اعلام نموده، فشارها و تحریمات سیاسی، دیپلماتیک و ایدئولوژیک را در داخل و خارج ایران گسترش داده، تهاجمات مستقیم (طس و نوز) را پیاده کرده، «نیروهای واکنش سریع» را در منطقه بسیج نموده، ناوگان دریایی خود و هم‌پیمانان خود را در اقیانوس منگه و مجاور آن متمرکز کرده است. کنسولگری‌های سالیان دراز همه‌شرایط‌های حیاتی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی آن، با هزاران رشته مرئی و نامرئی، بوسیله رژیم خیانت‌پیشه شاهنشاهی در دست به نفوذ عمیق و سلطه خانمان برانداز اربابان ماوراء اقیانوس رژیم سیرده شده بود، واضح است که بادشوارای-های جدی رویرو میشد. در چنین شرایطی آشکار است که جیره‌بندی کالاهای مورد نیاز همگانی ضرورت پیدا میکند.

آزادی فوری رفیق تیجانی طیب، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست سودان را خواستاریم

چنانکه اطلاع یافته‌ایم، پلیس سودان رفیق تیجانی طیب، یکی از بنیانگذاران حزب کمونیست سودان، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی و مسئول روابط بین‌المللی حزب برادر را دستگیر کرده او را زیر شکنجه‌های سبانه قرار داده‌است. ما ضمن ابراز هبستگی خود با پیکار جانپازانه حزب کمونیست و مردم سودان علیه رژیم ارتجاعی آن کشور، خواهان آزادی فوری و بلاشرط رفیق تیجانی طیب هستیم. در ضمن، کمیته مرکزی حزب توده ایران، در تکرار ما به دولت سودان، نسبت به توقیف و شکنجه رفیق تیجانی طیب اعتراض کرده و آزادی فوری وی را خواستار شده است.

ایران به وجود آمده است، و از این مبدا برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نتیجه گرفته‌اند که: «بهنان شاخص و بعنوان یک میزان (این سیاست) - آمریکا همیشه دشمن است، ما همیشه در رابطه خارجی خود با آمریکا (آمریکا را) به عنوان یک دشمن نگاه می‌کنیم، رابطه ما با آمریکا، رابطه ما و یک دشمن قدرتمند اصلی است.»

حجت الاسلام موسوی خوینی‌ها رئیس کمیسیون امور خارجه مجلس شورای اسلامی - مطالبی درباره سیاست خارجی اظهار داشته‌اند (جمهوری اسلامی - ۲۴ آذرماه ۵۹) که برای بنیان‌گذاری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بسیار مهم‌اند. حجت الاسلام خوینی‌ها به این واقعیت اشاره کرده‌اند که: «انقلاب ایران اساساً در جهت مبارزه بر علیه استعمار آمریکادار



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۰۱، دوشنبه ۱ دی ۱۳۵۹، مطابق با ۱۴ صفر ۱۴۰۱، بها: ۱۵ ریال

طی یک سری عملیات منظم در ۲ روز گذشته: نیروهای انقلاب تلفات سنگینی در جبهه‌های مختلف بر تجاوزگران صدامی وارد آوردند

۲۱ دستگاه تانک متجاوزین در جبهه‌های جنوب نابود شد.

نبرد بی‌امان رزمندگان انقلاب با تجاوزگران صدامی در تمام جبهه‌ها به‌وقفه ادامه دارد. خبرنگار خبرگزاری پارس، در آخرین ساعات شنبه شب، در تماس با یکی از مسئولان اطلاع‌عملیات اهواز کسب اطلاع کرد که: رزمندگان دلیر جمهوری اسلامی ایران در جبهه‌های کرخه‌کورد، آب تیمور، فارسیات و الله‌اکبر توانستند ۲۱ دستگاه تانک، یک عراده توب، ۳ دستگاه نفرین، بقیه در صفحه ۲

نقش سرمایه بزرگ و وابسته تجاری در مرحله کنونی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی صفحه ۲

پیروزی بزرگ «اوپک» در بالی

در دفاع از منافع حیاتی کشورهای نفت‌خیز در حال رشد در مسئله افزایش قیمت‌های نفت برداشت و بزرگترین آزمایش دوران ۴۰ ساله فعالیت خود را با موفقیت از سر گذراند. «اوپک» بعنوان سازمانی که می‌تواند از منافع کشورهای نفت‌خیز در حال رشد در برابر تهاجمات اقتصادی، سیاسی و نظامی امپریالیسم و انحصارات نفتی دفاع کند، ثابت کرد که قابلیت حیات دارد و در سخت‌ترین شرایط قادر است، وحدت خود را، که پایه و اساس مبارزات مشترک ملل و دول کشورهای نفت‌خیز است، علی‌رغم پیدایش اختلافات و تحریکاتی که امپریالیسم آنرا ایجاد و دامن می‌زند، حفظ کند.

برای دول امپریالیستی و انحصارات نفتی، که در انتظار ازهم‌پاشی «اوپک» - سازمان کشورهای صادرکننده نفت بودند، پیروزی کفرانس «اوپک» در «بالی» (اندونزی) یک ساقته است. همچنین کسانی که به مکانیسم درونی مبارزه ضد امپریالیستی و توانایی ژو بیغزون «اوپک» را «معجزه» و «تصادف» ارزیابی کنند، لیکن برای نیروهای انقلابی و آزادی‌بخش، همانگونه که ما در نوشته روز ۲۶ آذر ۵۹ نامه «مردم» خاطرنشان ساختیم، پیروزی «اوپک» در کفرانس کنونی امری قابل‌پیش‌بینی و مورد انتظار بود. پیروزی «اوپک» در «بالی» نشان داد که، همانطور که امپریالیسم باقد نیرو برای برگرداندن چرخ تاریخ و شکست جنبشهای انقلابی استقلال‌طلبانه است، همانگونه هم انحصارات امپریالیستی نفت‌دیکر قادر نیستند اوضاع را بحال سابق برسرگردانند و آذنی و غسارت امپریالیستی و نواستعماری خود را در کشورهای نفت‌خیز در حال رشد حیا کنند. برخلاف این تمایل، آنها مجبور به عقب‌نشینی‌های بی‌سری ز مواضع غارتگرانه هستند و در برابر مبارزه روزافزون خلفیا در اه‌رهائی از سلطه اقتصادی و غارت امپریالیستی، چاره‌ای جز تسلیم دارند.

به اینکدر هیئت ایرانی شرکت‌کننده در کفرانس «اوپک» در «بالی» نه‌فقط به اقدام تبه‌کارانه رژیم جنایتکار صدام در نگاه‌داشتن وزیر نفت ایران در اسارت، اعتراض جدی بعمل آمد، بلکه همچنین پیشنهاد مضری در جهت دفاع از منافع کشورهای در حال رشد مصرف‌کننده نفت مطرح گردید. طبق این پیشنهاد، ۱۰ درصد درآمد حاصله از افزایش قیمت‌های نفت اعشاء «اوپک» برای کمک به کشورهای در حال رشد اختصاص داده می‌شود، که طبیعتاً قدرت خریداری نفت با قیمت‌های در حال افزایش را ندارند و در نتیجه اقتصاد آنها زیان می‌رشد. همدردی اعشاء «اوپک» با این کشورها، که خود بنوعی دیگر زیر سلطه دول امپریالیستی و انحصارات نفتی قرار دارند، یک ضرورت مبارزه واقعی ضد امپریالیستی است، که از پیروزی آن همه خلقها و ملل زیر ستم، نفع می‌برد.

اما اهمیت آنچه در کفرانس کنونی «اوپک» در «بالی» بوقوع وست، حتی چیزی بالاتر از یک پیروزی عادی برای «اوپک» است، تکلیف کفرانس «اوپک» در «بالی»، در شرایطی که امپریالیسم امریکای ک غصو «اوپک» (عراق) را به جنگ تجاوزی علیه عضو دیگر «اوپک» (بران) در سبترین منطقه نفت‌خیز جهان برانگیخته است، همچنین سمیات مشترکی که کفرانس در زمینه افزایش قیمت نفت به زمان ۱۰ درصد اتخاذ کرد و جوی که کفرانس در آن برگزار شد، می‌تواند به معنی واقعی کلمه پیروزی بزرگ برای «اوپک» بشمارد. بزرگ از این جهت که، کفرانس با تصمیمات خود، قدم مهمی

«انقلاب اسلامی» هم‌زمان «شاهد»؟! بقیه در صفحه ۲

سرمقاله مورخ ۲۹ آذر ۵۹ روزنامه «انقلاب اسلامی» بلافاصله از رادیو اسرائیل بخش شد و خبرگزاری‌های امپریالیستی آنرا با آب و تاب مغایره کردند صفحه ۸

پیام تسلیت کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

رفیق ارجمند کمیته مرکزی حزب توده ایران با آسوده فراوان در گذشت رجب‌برجسته جنبش بین‌المللی کمونیستی و کورگری، فرزند وفادار حزب کبیر لنینی اتحاد شوروی، دولتمرد بزرگ و رئیس پیشین شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، الکسی نیکولایوویچ کاسیگین آگاهی یادت. کمیته مرکزی حزب توده ایران بدینوسیله همدردی عمیق خود را با کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و، از طریق شما، به همه کمونیست‌های اتحاد شوروی و مردم قهرمان شوروی ابراز میدارد. با درودهای رفیقانه کمیته مرکزی حزب توده ایران دبیرانول: نورالدین کپانوری ۳۰ آذر ۱۳۵۹

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، تشکیل شد، مسئله آوارگان جنگی مطرح گردید و نماینده خونین‌شهر به برخورد‌های غیرانسانی و غیر اصولی با آوارگان شدیداً اعتراض کرد.

قلمس، اولین سخنران پیش از دستور این جلسه بود، که در ارتباط با مسائل مختلف، از جمله تخصص و تدبیر سخن گفت. وی در قسمتی از سخنان خود تأکید کرد که روحانیون دیگر منزوی نمی‌شوند، او در پایان به بررسی مشکلات حوزه انتخابیه خود، مازندران، پرداخت و از مسئولین خواست که به برنجکاران کشور مدد رسانند.

آنکاه بملت عدم آمادگی دومین سخنران پیش از دستور، مجلس بلافاصله وارد دستور شد و طرح دفتر معاملات مسکن و بنیاد مسکن مطرح گردید. سپس در مورد ورود به شور این لایحه رای‌گیری به عمل آمد، که با اکثریت آراء به تصویب رسید. مطلب دیگری که در دستور جلسه دیروز مجلس قرار داشت، طرح ایجاد هماهنگی بین مراکز اسداه به آوارگان جنگ و دوفوریتی بودن آن بود. دوفوریتی بودن این طرح پس از رای‌گیری به تصویب رسید. طرح دوفوریتی دیگری که در این جلسه مطرح شد، جداسدن بنیاد شهید از وزارت بهزیستی بود، که آن نیز به تصویب رسید.

سپس نامه شورای تکمیل قانون اساسی در مورد چند ماده طرح قانونی اداره رادیو و تلویزیون، که مغایر قانون اساسی تشخیص داده شده بود، قرائت شد. این نامه به کمیسیون ارشد مجلس شورای اسلامی فرستاده شد.

در این جلسه همچنین لوابج وزارت مسکن درباره وام مسکن، رسیدگی به کار بعضی مقاطعه‌کاران اجرایی و اجازه و واگذاری اراضی داخل شهرک‌ها برای تأمین اعتبار مربوط به اتمام شهرک‌های دولتی به مجلس تقدیم شد.

آنکاه طرح کمیسیون مسکن و شهرسازی در مورد لغو مالکیت اراضی شهری قرائت شد. در ارتباط با این مسئله، چند موافق و مخالف سخن گفتند. آنکاه وزیر مسکن در مورد لایحه توضیحاتی داد. وی از جمله گفت:

«لغو مالکیت اراضی شهری یکی از انقلابی‌ترین قوانینی بود که شورای انقلاب تصویب کرد و مابرای آن موفق شدیم، پیش از ۵۰۰ هزار متر زمین در اختیار مدارس و دیگر امور خدماتی بگذاریم.»

وی سپس به توضیح قسمت‌های مختلف این طرح پرداخت. آنکاه وزیر دادگستری در این مورد سخن گفت. پس از پایان سخنان توضیحی مجرب کمیسیون مسکن، در مورد ورود به

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

ستون پنجم آمریکا از وضع آوارگان سوء استفاده میکند

وضع آوارگان جنگی در بعضی نقاط فاجعه آمیز است

شور اول این طرح رای گرفته شد، که با اکثریت آراء به تصویب رسید.

وضع آوارگان جنگی

در اینجا سؤال معرفی‌زاده، نماینده خونین‌شهر، ازوزارت کشور مطرح شد.

معرفی‌زاده، پیش از طرح سؤال خود، به تشریح وضع آوارگان جنگ پرداخت و آن را در قسمت‌هایی فاجعه آمیز خواند. او به ناکافی بودن جیره مواد غذایی آوارگان دربرجورد اشاره و تأکید کرد که «چون فعالیت نهادها منجم نیست، هنوز نتیجه درستی به بار نیامده است.» وی گفت:

«در شادگان در یکی از کمپ‌ها، ده روز به آوارگان غذا ندادند و بودند و غذای آن‌ها به گدایی کشیده شده بودند، که این به خاطر تعدد مراکز مربوط به این امر است. فرماندار ماهشهر هم تأکید کرد که به آن‌ها غذا داده نشده، زیرا قصد داشته‌اند آن‌ها را جایجا کنند.»

وی افزود: «فرماندار ماهشهر حرف ما را پذیرفت که در این مورد اشتباه کرده‌است، ولی هنوز که هنوز است در این مورد عملی انجام نشده است.»

معرفی‌زاده سپس سؤال خود را از وزارت کشور در مورد بازکردن حساب‌های مختلف توسط مقامات مختلف برای کمک به جنگ‌زدگان، مقدار کمک‌های داده شده، برنامه اسکان آوارگان، علت خودداری از اسکان آن‌ها در آپارتمان‌های تهران و شهرهای شمال کشور و بی‌توجهی به وضع کارت شناسایی آوارگان جنگ را مطرح کرد.

آیت‌الله مهدوی کنی، وزیر کشور، در پاسخ سؤال

«خوب بود این سؤال را از کسانی که این حساب‌ها باز کرده‌اند، می‌رسیدید، زیرا ما در این مورد مسئولیتی نداریم، البته بولی که به حساب دولت ریخته شده، در اختیار وزارت کشور گذاشته خواهد شد.»

آنکاه مصطفی میرسلیم، معاون وزارت کشور، به جوابی کوشی سنوالات دیگر پرداخت و از جمله اظهار داشت:

«مسئله جنگ‌زدگان از اوایل مهرماه که جنگ‌های ایران و عراق شدت گرفت، مطرح شد... وقتی اولین دسته از مردم خونین‌شهر به نقاط دیگر رفتند، با عدم استقبال مردم روبرو شدند، زیرا روند جنگ هنوز درست ترسیم نشده بود- مردم بعد از این واقیعت را بطور ملموس دریافته‌اند... بنابراین با توجه به اینکه ما در وزارت کشور پیش‌بینی نمی‌کردیم که مسئله‌ای به نام جنگ‌زدگان بوجود آید، و برنامه خاصی در این مورد که با یک میلیون تا یک میلیون و ۲۰۰ هزار آواره جنگی چه کنیم، نداشتیم، اولین اقداماتی که از طرف وزارت کشور صورت گرفت این بود که کمک‌های مردم به جنگ‌زدگان را بطور عادلانه تقسیم کنیم. مردم در آغاز به‌رزمندگان کمک می‌کردند، ولی بعد کمک‌ها بسوی جنگ‌زدگان سرازیر شد. این کمک‌ها از منابع مختلف و بطور پراکنده می‌رسید. اولین اقدام ایجاد یک واحد هماهنگ برای اخذ کمک‌ها در فرمانداری‌ها بود. ولی در بعضی نقاط، مانند شادگان و ماهشهر که در خط مقدم منطقه جنگی قرار گرفته‌اند، چنین امکانی وجود نداشت. زیرا تعداد زیادی هر روزه به این نقاط وارد و از آنجا خارج می‌شوند.»

سوء استفاده ستون پنجم آمریکا

وی افزود: «به علت تبلیغات و تحریکاتی که صورت گرفت، مردم راضی نبودند از شادگان خارج شوند، ولی وضع برای آن‌ها توجیه و قرار شد که آن‌ها به اردوگاه‌های دیگری منتقل شوند. در حال حاضر در اردوگاه‌های مختلف مساعدی برای آوارگان وجود دارد که هنوز از آن‌ها استفاده نشده است. این اردوگاه از شادگان و بروجرد بسیار مناسبتر است.»

میرسلیم سپس به وضع آن‌دهسته از آوارگان، که هنوز از دولت حقوق می‌گیرند اشاره کرد و گفت که این‌ها می‌توانند مایحتاج خود را از شرکت‌های تعاونی تأمین کنند. وی همچنین گفت:

«اما در مورد سایرین که از این امکان محرومند، جیره غذایی در نظر گرفته شده است.»

معاون وزارت کشور آنکاه وضع اردوگاه‌های مختلف را تشریح کرد. پس از پایان توضیحات مسئولین وزارت کشور، نماینده خونین‌شهر ضمن تأکید بر اینکه به سؤال‌های وی جواب داده نشده است، گفت:

«این مسئله بصورت خطرناکی درآمد و ستون پنجم از این وضع استفاده می‌کند... در حال حاضر ۵۰۰ هزار نفر از آوارگان زیر پوشش دولت هستند، بقیه حقوق‌بگیرند که تازه کم کردن حقوق آن‌ها و رساندن آن به میزان دوسوم حقوق قبلی منطقی نیست... چون این جنگ، جنگ با ایران و انقلاب ماست و باید اثر آن را همه حس کنیم. چرا باید معلمی که در بروجرد است، حقوق کامل بگیرند، ولی آن معلمی که جنگ زندگی ویرا از وی گرفته، دوسوم حقوق خود را بگیرند، آنهم در آوارگی!»

در حاشیه مجلس

فعالیت ضدانقلابی گروهک پیکار

عطا مهاجرانی، یکی از نمایندگان مجلس، در جلسه دیروز تأکید کرد که عوامل گروهک ضدانقلابی پیکار خود را در صفوف آوارگان جنگ جا زده‌اند و زیر نام آنها تظاهرات راه می‌اندازند.

این گفته نماینده مجلس، لزوم توجه به نقش مخرب گروهک‌های مائوئیستی را بیش از پیش مطرح می‌کند.

پیروزی بزرگ...

بقیه از صفحه ۱

در حال رشد عرضه خواهد کرد و نقش فائزتری را در پیروزی مبارزات ضدامپریالیستی همه خلق‌های جهان ایفا خواهند نمود. البته امپریالیسم؛ انحصارات غارتگر فتنی از توله علیه «اروپا» دست بر نخواهند داشت اما «اروپا» نشان داده است که، علی‌رغم همه این‌ها کارکنان، توطئه‌ها، می‌تواند بعنوان سازمانی معتبر در مبارزه ضدامپریالیستی را، خود را بجلو باز کند.

تصحیح

در مقاله «اروپا»، چهارشنبه ۲۶ آذر ۵۹، صفحه دوم، ستون دوم، سطر هشتم از پایین صفحه بجای «توسط افرادی»، «با طرد افرادی» خوانده شود.

تازه‌ترین شکل...

بقیه از صفحه ۱

افراد در مقابل سوسیالیسم عدل دارند، سوءاستفاده شود، آنها تحریک کرده علیه سوسیالیسم. بسدا درآوردند، جو انقلابی مشتت کنند. همکاری و اتع نیروهای مومن به انقلاب و معت به‌جمهوری اسلامی ایران را تفرقه و نفاق مبدل سازند.

لیکن خلق رزمنده، یعنی اکثریت قاطع زحمتکشان‌شهر ده، مردم آزادیخواه، وطن‌دوست، معتقد و متعهد، همچنانکه رهبری امام خمینی قیام کرده رژیم طبشوت شاهنشاهی سرنگون نمودند و جمهوری اسلامی را برپا داشتند، با هم سدجندان در مقابل امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایتکار ما قد علم کرده، عزم راسخ دار که با ایستار و فداکاری انقلاب تا پیروزی قطعی و نهائی برند.

کمک مالی به حزب توده ایران تک وظیفه انقلابی است!

نوید - ب	۱۰۰۰۰ ریال
میثا ازساره	۱۹۰۰ ریال
ب - ن	۵۰۰ ریال
ج - ج	۹۰۰۰ ریال
علی‌ز شرفضا	۵۰۰۰ ریال
منصور - ح	۵۰۰ ریال
ماندانا (از قلك) از شیرگرد	۴۵۰ ریال
رضا از شیرگرد	۵۰۰ ریال
ارشد از شیرگرد	۸۰۰ ریال
پانسان گرازشیرگرد	۵۰۰ ریال

علاقتمندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کی‌منش وبه‌شماره ۳۲۳۲ شعبه ۴۱۸ پاناک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.

نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران (هوانیروز) طی یک سری عملیات حساب‌شده با راکت مواضع دشمن را درهم کوبیدند که در این عملیات خساراتی به دشمن وارد آمد. سرهنگ عطاریان، فرمانده عملیات غرب کشور در کنتکوی به خبرنگار دفتر مرکزی خبر گفت: «ما کاملاً در مناطق مختلف درگیری نسبت به دشمن برتری و حالت تهاجمی داریم و روحیه رزمندگان مدافع انقلاب اسلامی بسیار خوب است.»

نیروهای انقلاب

بقیه از صفحه ۱

یک تانک، یک کامیون نفربر و چندسنگر اجتماعی دشمن متجاوز منهدم و تعدادی بسیار از مزدوران صدام کشته و زخمی شدند، بطوریکه تا ساعتاً آمبولانس مشغول جمع‌آوری اجساد و زخمی‌ها بودند. همچنین تویخانه دشمن زبون مناطق مسکونی‌شهر آبادان را زیر آتش تویخانه قرار داد که باعث زخمی‌شدن تعدادی از افرادشیر شد.

خبرنگاران خبرگزاری فارس و دفتر مرکزی خبر، با نقل از اطلاعیه عملیاتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دزفول گزارش دادند:

در تاریخ ۲۷ و ۲۸ آذرماه (پنج‌شنبه و جمعه) برادران رزمنده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با نفوذ در خطوط تدارکاتی دشمنان انقلاب اسلامی در منطقه مرزی فکه موفق شدند طی ۳ رشته عملیات قبرمانانه مین‌گذاری، یک تانکر بنزین و ۲ خودروی مزدوران یعنی را منهدم و کلیه سرنشینان آن را به هلاکت برسانند. این عملیات باعث شد، ساعت‌ها حرکت دشمن در منطقه متوقف شود. همچنین در یک عملیات در تاریخ ۲۸، ۲۹، ۳۰ نیز برادران رزمنده پاسدار انقلاب مستقر در غرب رودخانه کرخه در یک نبرد رویاروی توانستند ۳ سنگر مزدوران صدام را با کلبه نقرات آنها منهدم کنند. در این عملیات برادران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با آتش شدید خمپاره بر روی مواضع متجاوزین آنها را مجبور به ترک و فرار از منطقه کردند.

خبرنگار دفتر مرکزی خبر از سوسنگرد، با نقل از یکی از مسئولین سپاه پاسداران این‌شهر گزارش داد:

شیر از صبح شنبه زیر آتش تویخانه متجاوزین صدام قرار داشته و بر اثر آن به چندین ساختمان مسکونی آسیب‌هایی وارد آمد. خون‌ریخته در این حملات هیچ‌گونه مجروح و کشته‌ای بجای نماند.

خبرنگار دفتر مرکزی خبر گزارش داد:

در یک شبیخون چریکی که توسط رزمندگان سپاه پاسدار انقلاب و افراد بسیج مستتفین در ساعت ۳ بامداد روز گذشته (شنبه) در جبهه سوسنگرد به دشمن زده شد، علاوه بر وارد آوردن تلفات جانی و مالی به دشمن تعدادی از سنگرهای انفرادی آنان نیز تصرف شد. در این ماموریت کاملاً موفق همه برادران سالم به پایگاه خود بازگشتند.

دفتر مرکزی خبر شنبه شب بنا به اظهار یک مقام موق در آبادان گزارش داد:

بر اثر اجرای آتش تویخانه رزمندگان انقلاب بر مواضع دشمن در آنسوی رودخانه بهمنشیر، یک خودروی سنگین حامل مهمات،

تعداد زیادی خودرو، ۲ سنگر و چند قبضه تیربار دشمن را نابود کند و ۲ قبضه آرپی-جی-۷ دشمن را به‌قیمت بگیرند. این مقام مسئول افزود است که در درگیری‌های این جبهه حدود ۱۰۰ تن از مزدوران دشمن کشته و زخمی شدند.

برپایه گزارش‌های دیگر خبرگزاری فارس از اهواز:

یک گروه شناسایی رزمندگان انقلاب، که به حاشیه کرخه کور رفته و تا یکسدهمتری دشمن نزدیک شده بودند، زیر آتش سنگین متجاوزان قرار گرفتند. در اثر جنگ و گریز دلاوران انقلاب ۳ تن از مزدوران را به هلاکت رساندند. همچنین ۳ تن از دلاوران انقلاب، که گلوله‌هایشان به پایان رسیده بود، به شهادت رسیدند و ۴ تن دیگر از این قهرمانان سالم به پایگاه خود بازگشتند.

خبرنگار دفتر مرکزی خبر از سوسنگرد، با نقل از یکی از مسئولین سپاه پاسداران این‌شهر گزارش داد:

شیر از صبح شنبه زیر آتش تویخانه متجاوزین صدام قرار داشته و بر اثر آن به چندین ساختمان مسکونی آسیب‌هایی وارد آمد. خون‌ریخته در این حملات هیچ‌گونه مجروح و کشته‌ای بجای نماند.

خبرنگار دفتر مرکزی خبر گزارش داد:

در یک شبیخون چریکی که توسط رزمندگان سپاه پاسدار انقلاب و افراد بسیج مستتفین در ساعت ۳ بامداد روز گذشته (شنبه) در جبهه سوسنگرد به دشمن زده شد، علاوه بر وارد آوردن تلفات جانی و مالی به دشمن تعدادی از سنگرهای انفرادی آنان نیز تصرف شد. در این ماموریت کاملاً موفق همه برادران سالم به پایگاه خود بازگشتند.

دفتر مرکزی خبر شنبه شب بنا به اظهار یک مقام موق در آبادان گزارش داد:

بر اثر اجرای آتش تویخانه رزمندگان انقلاب بر مواضع دشمن در آنسوی رودخانه بهمنشیر، یک خودروی سنگین حامل مهمات،

در جبهه‌های غرب

رزمندگان ارتش جمهوری اسلامی، ژاندارمری، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، فدائیان امام خمینی، بسیج عشایری و سایر داوطلبان همچنان در جبهه‌های غرب کشور بر علیه متجاوزین صدام را ادامه می‌دهند.

خبرنگار اعزامی دفتر مرکزی خبر در کرمانشاه از خطوط اول جبهه، در منطقه سرپل ذهاب و قهرشیرین در ساعت ۳:۳۰ بامداد روز یکشنبه گزارش داد: در ساعت ۱۲ ظهر شنبه در منطقه دشت‌ذهاب دلاوران قهرمان

رابطه ما با جنبش‌های آزادیبخش را نیز مطرح کرده‌اند و بدین‌صورت مطرح کرده‌اند:

«اگر یک جنبش آزادیبخش خصوصی اسلامی و دردرجه‌بندی غیر اسلامی در یک کشوری هست، ما (باید) کاری بکنیم که آن جنبش مطرح‌شود تا زنده‌شود...»

و نیز در مورد چگونگی رابطه ما با دولتهای آن کشورهایی که در آنها انقلاب آزادیبخش پیروز گردیده:

«با آن کشورها ارتباط برقرار کنیم و سعی نماییم با کشورهایی که سابقه انقلاب دارند، بخصوص اگر این کشورها مسلمان هستند، رابطه نزدیکتری با آنها داشته باشیم... اگر هم تصویری کنیم (آن دولتها) نقاط ضعفی هم دارند، آن نقاط ضعف‌بانه‌ها نباشد برای اینکه با آنها قطع رابطه کنیم یا دوستیمان تضعیف شود...»

کدام جنبش واقعا آزادیبخش و کدام دولت واقعا انقلابی و رزمنده برای کسب استقلال واقعی است؟ در اینجا نیز همان «شاخص و معیار» می‌تواند راهنمای شناخت درست سرشت جنبش‌ها و دولتها باشد. هیچ جنبش واقعا آزادیبخش و استقلال‌طلبانه و مترقی، اهم از اسلامی یا غیر-اسلامی، نیست که در معرض خصومت امپریالیسم، سرگردگی آمریکا، قرار نگیرد، و هیچ دولت واقعا استقلال‌طلبی نیست که بدرجات مختلف (بسته به درجه رزمندگی آن در کسب استقلال) در معرض دشمنی توطئه‌گرانه آمریکا و متحدانش واقع نشود. برعکس، هر جنبشی و (یا هر دولتی) اگر ظاهراً هم «انقلابی» باشد، ولی برخوردار از کمک آمریکا و متحدانش باشد، آن جنبش (یا دولت) انقلابی و مترقی نیست، ضدانقلابی و ارتجاعی است.

ما از این دیدگاه، یعنی بکم همان «شاخص و معیار» خصومت امپریالیسم، سرگردگی آمریکا، علیه جنبش‌ها و دولتهای استقلال-طلب مترقی، می‌توانیم سرشت آنها را تشخیص دهیم و با آنها رابطه دوستانه برقرار کنیم.

این‌هاست نکات مهم چندی درباره سیاست خارجی، که بنظر ما باید در تدوین مبانی و اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ملحوظ شود.

سرمايه‌داری (امپریالیستی) نیز بطور عمده در همان سمتی حرکت میکنند که آمریکا حرکت می‌کند، هم بدلیل اینکه امریکادر این کشورها صاحب نفوذ (اقتصادی - سیاسی - نظامی) است و هم بدلیل اینکه خود آنها غارتگر، استثمارگر، دشمن خلق‌ها و استقلال آنها هستند. در نتیجه سمت کلی سیاست آنها با سمت کلی سیاست آمریکا بطور عمده انطباق پیدا میکند. البته دولتهای امپریالیستی-بعنوان دستک‌های مجری اراده انحصارات امپریالیستی- بایکدیگر در تضاد نیز قرار می‌گیرند، ولی این تضاد بر سرسهم غارتی و میدان غارتگری است نه بر سر اصل‌غارت، که همگی آنها با هم شریک و همدستانند. به عبارت دیگر، تضادها بین آنها فرعی است و اتحاد آنها با یکدیگر عمده و اساسی است. مبارزه با کشورهای سوسیالیستی، با کشورهای نوستقلال، یا جنبش‌های آزادیبخش ضد امپریالیستی لازم دارند. بعبارت دیگر، آنها جبهه امپریالیسم جهانی را تشکیل می‌دهند، که سرگردگی آن‌ها را آمریکا برعهده دارد. پس طبعاً دولتهای این‌جبهه نمی‌توانند با انقلاب و استقلال ما موافق باشند. آنان، بگفته حجت‌الاسلام دکتر محمد خاتمی (که اخیراً از کشور اروپای غربی بازدید کرده‌اند)، در ظاهر انقلاب ما را می‌پذیرند، ولی در باطن مخالف آن هستند. و این طبیعی است. ما در سیاست خارجی خود، به‌هنگام رابطه با این دولتها، باید آنها را در خط آمریکا (چنانکه هستند) بدانیم. البته این بدان معنی نیست که با این کشورها قطع رابطه کنیم و یا هیچ‌گونه رابطه‌ای نداشته باشیم. ما می‌توانیم در محدوده معینی و در رشته‌های معینی با این کشورها رابطه بگیریم، منتها فقط بر مبنای حقوق برابر و نفع متقابل عادلانه، که چون چنین رابطه‌ای با سرشت آنها سازگار نیست، برقراری آن بسیار دشوار است، ولی در شرایط کنونی جهان و با آنکه به گسترش رابطه با کشورهای جبهه ضد امپریالیستی جهانی، غیرممکن نیست.

حجت‌الاسلام خونی‌ها در اظهارات خود موضوع چگونگی

انقلاب ایران...

بقیه از صفحه ۱

حرکت آمریکا حرکت می‌کنند و هرسمتی که آمریکا حرکت کند، آنها هم بدان سمت حرکت می‌کنند، باید این کشورها را به‌عنوان کشورهای دوست برای خود تلقی نکنیم... باید بدانیم که آمریکا دشمن است و اگر هرکس در رابطه دوستی با ما، آمریکا را بر ما مقدم دانسد و به‌خاطر آمریکا با ما دشمنی کند، آن کشور از ما دور است و هرکس بدون امتنا به آمریکا حاضر است با ما رابطه دوستانه داشته باشد و با انقلاب ما موافقت کند، آن کشور با ما نزدیکتر است.»

از این دیدگاه، چگونگی مضمون رابطه‌ای که ما می‌توانیم با دیگر کشورها داشته باشیم، تا حدود زیادی روشن می‌شود: مثلاً دولت سوسیالیستی اسرائیل دولتی است که ضد رزمندگان ستمی حرکت میکند که آمریکا حرکت میکند، زیرا دولت سوسیالیستی اسرائیل بدون آمریکا هیچ است. دولت سوسیالیستی اسرائیل دست آمریکا، عامل انقلاب و زاندارم منقلبه‌ای آمریکاست. بهمین دلیل رابطه دولت سوسیالیستی اسرائیل با انقلاب ما خصمانه است و ما با دولت سوسیالیستی اسرائیل در خصومت آشقی ناپذیر متقابل هستیم. ما با چنین موضع-گیری در منطقه، طبعاً باید در کنار آن کشورهای قرار بگیریم که با آمریکا و دولت سوسیالیستی اسرائیل در نبردند. ما در جبهه ضد امپریالیستی و ضد سوسیالیستی (که هر دو در واقع یکی است) قرار می‌گیریم و متقابل آن کشورها را در منطقه با آمریکا و اسرائیل در نبردند، طبعاً با ما رابطه دوستی برقرار میکنند و دست دوستی ما را می‌پذیرند. بدینسان ما در منطقه خاورمیانه در جای شایسته خود قرار می‌گیریم و از مزایای آن بسود انقلاب استقلال‌بخش خود، بسود تقویت مابزه علیه دشمن اصلی همه خلق‌ها (امریکا) بهره‌مند می‌شویم. دولتهای کشورهای رشدیافته

فوق سرمایه پرستی و وابسته تجاری در مرحله کنونی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی



خلاصه کلام اینکه، در زمینه سرمایه‌های وابسته صنعتی، بانکی، بیمه‌ای، حمل و نقل و کشاورزی، دولت انقلاب تصمیبات جدی اتخاذ کرده و به اجرا گذاشته، که هر یک واحد اهمیت اساسی است.

امادر زمینه سرمایه بزرگ وابسته تجاری، که چنانکه قبلاً گفته شد، نقش مادر را در ایجاد کلیه سرمایه‌های وابسته در کشور ما داشته، جز تصویب اصل مهم ملی کردن بازرگانی خارجی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، عملاً هیچ گونه اقدام جدی بعمل نیامده است.

پس از پیروزی انقلاب، نه فقط هیچ گونه تعرض انقلابی به مواضع سرمایه بزرگ وابسته تجاری بعمل نیامده، نه فقط ذخایر عظیم کالایی متعلق به این سرمایه دست نخورده باقی مانده، بلکه دست سرمایه بزرگ وابسته تجاری، هم در بازرگانی خارجی و هم در بازرگانی داخلی، تمام و کمال باز گذاشته شده است. در دوران پس از پیروزی انقلاب، ضربات جدی بر مواضع سرمایه های دیگر وارد آمده، و سهم دولت در بازرگانی خارجی بسیار کاهش یافته و سرمایه بزرگ وابسته تجاری حتی توانسته است به مواضع مالی و سرمایه‌های به مراتب قوی‌تری نائل آید. می‌توان گفت که هم اکنون در اقتصاد جمهوری اسلامی ایران عمده‌ترین مواضع اقتصادی و مالی و فعال‌ترین آن در تصرف سرمایه بزرگ وابسته تجاری است. جالب اینکه هیچ نوع نظارتی، نه دولتی و نه اجتماعی بر فعالیت این سرمایه وجود ندارد.

اهرم‌های پولی، گرانی، احتکار، سودخواهی، گراف، که همه آن‌ها در دوران پس از انقلاب قویاً به ضد جمهوری اسلامی به کار گرفته شده، تماماً در یقین سرمایه بزرگ وابسته تجاری باقی مانده است. با استفاده از احتکار و گرانی، سرمایه بزرگ وابسته تجاری در دوران پس از انقلاب سودهای عظیم باور نکردنی کسب کرده و با تسلط بر وسایل پولی جامعه (اسکاس) هم اکنون تمام سیستم بانکی و مالی کشور را نیز در محیطه قرارداد داده است.

درست در شرایط زمان جنگ، که توزیع همگانی و سراسری کالاها ضروری از واجبات است و جیره بندی و پخش کالا از طریق کوبن برای حفظ انقلاب امری حیاتی است، سرمایه بزرگ وابسته تجاری با تمام قوا در این کار اختلال می‌کند، آن هم اختلال موثر. سرمایه بزرگ وابسته تجاری از طریق نفوذی که در اختیار وسیع پیشه‌وران و اصناف دارد، آن‌ها را از انقلاب می‌ترساند، نسبت به شبکه توزیع دولتی و تعاونی، که بسود این اقتدار نیز هست، بدبین می‌کند، در امر توزیع کالاها جیره بندی شده کارشکنی می‌نماید، تا عدم رضایت عمومی را برانگیزد و بدین وسیله مواضع غارتگران و عمیقاً ضد انقلابی خود را حفظ کند.

سرمایه بزرگ وابسته تجاری از نظر قدمتی که در تاریخ فعالیت خود در اقتصاد ایران دارد، از جهت موضع دست نخورده‌ای که در بازرگانی خارجی دارد، از راه شبکه وسیعی از عمده فروشان و دلالان و واسطه‌ها، که به دور خود گرد آورده است، از نظر نفوذ دست نخورده‌ای که در قشر عظیم بیش از ۸۰ هزار واحد صنعتی - که از جهت توزیع کالا چشم بعد دست آن دوخته‌اند - بهم زده شده در صفحه ۴

بزرگ وابسته تجاری حتی توانست سرمایه صنعتی و اصولاً کلیه سرمایه‌های شاغل در تولید را، به تبع از منافع آزمندانه خود و امپریالیسم و انحصارات آن، تغییر جهت دهد. بسیاری از رشته‌های تولید صنعتی و صاحبان صنایع، تا سال‌های ۱۳۴ در ایران مستقل باقی ماندند. اما رفته رفته حتی این رشته‌ها نیز به صورت صنایع مونتاژ درآمدند و به وابستگی به سرمایه‌های امپریالیستی، کشانیده شدند. در این وابستگی، سیاست امپریالیست‌ها ورزیم حاکم نقش سیاسی و سرمایه تجاری وابسته، عملاً نقش اقتصادی را ایفا کردند.

همه سرمایه‌های بزرگ در دوران رژیم طاغوت در جهت وابستگی ایران به امپریالیسم و بازار سرمایه‌داری جهانی عمل می‌کردند، اما در این میان سرمایه بزرگ وابسته تجاری اساسی‌ترین نقش را ایفا می‌کرد. این واقعیتی است که اکنون همه نیروهای انقلابی باید بدان واقف باشند و مکانیسم عقب ماندگی کشور خود را به خوبی بشناسند. اگر بگوییم که در مکانیسم عقب ماندگی ایران از دو قرن به این طرف، سرمایه بزرگ وابسته تجاری نقش عمده و اساسی را ایفا کرده است، سخنی مغالغه‌آمیز نگفته‌ایم. این عین واقعیت است.

انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی و مواضع سرمایه بزرگ وابسته تجاری

با تحلیل کوتاهی که از نقش سرمایه بزرگ تجاری از اواسط قرن گذشته تا بحال دادیم، طبیعی است که هر خواننده‌ای متوجه می‌شود که: پس یکی از اساسی‌ترین وظایف انقلاب حاضر باید خلع ید از این سرمایه باشد. این امر کلاً درست است و انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران، اگر به خلع ید سرمایه بزرگ وابسته تجاری از مواضع خود نائل نگردد، مطمئناً نخواهد توانست به رشداتی خود ادامه دهد. در این حالت، حتی تثبیت پیروزی‌های بدست آمده نیز برای انقلاب دشوار و حتی غیرممکن خواهد بود.

اینک ببینیم انقلاب ایران پس از پیروزی، در ارتباط با ضرورت خلع ید از سرمایه بزرگ وابسته تجاری چه کرده است؟

واقعیت اینست، که مواضع این سرمایه نه فقط دچار آسیب نشده، بلکه عملاً تا همین امروز، به قوت سابق خود باقی مانده است!

پس از پیروزی انقلاب، به دیگر انواع سرمایه‌های بزرگ، مثلاً سرمایه‌های بزرگ صنعتی، بانکی، حمل و نقل و حتی کشاورزی ضربات نسبتاً قابل ملاحظه‌ای وارد آمده است. سرمایه‌های بانکی ملی شده، قسمت مهمی از سرمایه‌های بزرگ صنعتی و کارخانه‌ها مصادره گردیده، کار حمل و نقل تاحدودی ملی شده، و از سرمایه‌های بزرگ در کشاورزی خلع ید بعمل آمده است. این‌ها البته اقدامات و پیروزی‌های بسیار مهمی هستند که انقلاب بدان‌ها دست یافته است.

پس از پیروزی انقلاب، در زمینه این نوع سرمایه‌های بزرگ، که می‌توان گفت بطور عمده، به نحوی از انحاء، با تولید سر و کار داشته‌اند، تصمیبات و تغییرات بنیادی مهم دیگری نیز صورت گرفته، که واجد اهمیت حیاتی است. مثلاً اداره کلیه بانکها به دست دولت سپرده شده، تمام کارخانه‌های مصادره شده از اداره سرمایه‌داران طاغوتی خارج شده و تحت نظر مدیران دولتی و بنیاد مستضعفین قرار گرفته است. شوراها نظارت بر تولید در قسمت مهمی از این رشته‌ها و واحدها فعالیت می‌کنند، که بهر حال مظهر حاکمیت اجتماعی و انقلابی بر فعالیت سرمایه‌ها در این رشته‌ها هستند.

بر تو این انقلاب و تأثیر آن در ایران به صورت قیام‌های ملی و خلقی در آذربایجان، گیلان و خراسان بروز کرد، سرمایه بزرگ تجاری در مواضع قبلی خود باقی ماند. محافل لیبرالی حافظ منافع این نوع سرمایه حاضر نشدند از ایفای نقش واسطه و دلال‌گالای خارجی در بازار ایران، که منافع زیاد تری در دستری نصیب آنان می‌کرد، صرف نظر نمایند و به "خطر بکار - انداختن سرمایه‌های خود در تولید و ایجاد صنایع ماشینی، که بسود کشور بود، تن ندهند. رضاخان، با دیکتاتوری سبانه خود و ایجاد ماشین جهنی استثمار توده‌های زحمتکش، شرایط نسبتاً مساعدی برای فعالیت سرمایه صنعتی در داخل فراهم آورده بود. معذک سرمایه بزرگ تجاری حتی در این دوران نیز تن به رها کردن رشته کم خطر و پردرآمد بازرگانی خارجی و کسب درآمدهای عظیم و سهل الوصول از راه مبادله و فروش کالا نداد. به همین جهت تلاش برای صنعتی کردن در این دوران نیز نتیجه‌ای بیار نیامد. سرمایه بزرگ وابسته تجاری، با باقی ماندن در مواضع غارتگرانه و حمایت از دیکتاتوری رضا خان، ایران را در عقب ماندگی و اسارت نگاهداشت. تلاش‌های نیروهای مترقی جامعه ایران در چهل سال گذشته، یعنی از طرد دیکتاتوری رضاخان تا پایان سلطه دیکتاتوری محمدرضا، در جهت نقل و انتقال سرمایه‌ها بسوی تولید و ایجاد صنایع ماشینی معاصر بوده است، که می‌توانست پایه‌های مناسبی برای استقلال واقعی اقتصادی ایران بوجود آورد. اما این تلاش‌ها نیز به علت مقاومت سرمایه بزرگ وابسته تجاری - که حتی موجب شد که رشد ناگزیر صنعتی شدن کشور نیز در جاده وابستگی سرد داده شود - به نتیجه‌ای نرسید.

سرمایه بزرگ وابسته تجاری توانست در همکاری با امپریالیسم و دربار، در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ضربات سنگینی به نهضت ملی شدن نفت وارد آورد. در این دوران بار دیگر محافل لیبرالی وابسته به این سرمایه ثابت کردند که با آرمان تمامین استقلال اقتصادی ایران سر سازگاری ندارند. سرمایه بزرگ وابسته تجاری توانست در دوران پس از کودتا امتیازات زیادی بسود حفظ و تقویت مواضع خود کسب کند. چنانکه می‌دانیم، انحصار دولتی بازرگانی خارجی ایران، پس از تسلط رژیم کودتا، به کلی نقض گردید. پس از کودتا، سرمایه بزرگ وابسته تجاری گذشته از بازرگانی خارجی و داخلی، نفوذ خود را به رشته‌های دیگر اقتصادی: صنایع، حمل و نقل، بانک و کشاورزی بسط داد و در تحول این سرمایه‌ها به سوی وابستگی نقش فعلی به غنجه گرفت.

در تقویت مواضع سرمایه بزرگ وابسته تجاری در ربع قرن پس از کودتا، چند عامل عمده موثر بودند: اول، استقرار سلطه امپریالیسم و نواستعمار به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، که هدف عمده خود را تبدیل ایران به جامعه مصرفی وابسته قرارداد داده بود.

دوم، افزایش درآمد نفت، که با مالک امکانات مالی بیشتری را برای خرید کالاهای خارجی و فروش آن‌ها در اختیار بازرگانان عمده و وابسته قرار می‌داد.

سوم، استقرار و تثبیت حاکمیت دیکتاتوری و پلیسی خانواده پهلوی، که حافظ منافع غارتگرترین و طفیلی‌ترین سرمایه‌های وابسته، منجمله و بویژه سرمایه بزرگ وابسته تجاری بود. مجموعه این عوامل سبب شد که سرمایه بزرگ وابسته تجاری در ربع قرن اخیر، یعنی از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به بعد، مواضع مالی و اقتصادی عمده تری را دارا شود. حال آنکه از نظر رشد تاریخی، سرمایه بزرگ تجاری می‌بایست جای خود را به سرمایه‌های صنعتی بدهد. اما چنانکه شاهد بودیم، نه فقط چنین انتقال تاریخی صورت نگرفت، بلکه سرمایه

سرمایه بزرگ وابسته تجاری در مرحله کنونی عمده‌ترین نقش را در مخالفت با انقلاب به عهده گرفته است. تثبیت پیروزی‌هایی که انقلاب تا کنون به دست آورده، هم چنین هموار ساختن راه رشد آتی آن در رهائی کامل از سلطه امپریالیسم و سرمایه خارجی، بدون خلع ید از سرمایه بزرگ وابسته تجاری ممکن نیست. اصل ملی کردن بازرگانی خارجی و ذخایر عمده کالایی، گسترش شبکه توزیع دولتی و تعاونی‌ها با جیره بندی، اهرم‌های اساسی خلع ید سرمایه بزرگ وابسته تجاری در بازرگانی خارجی و پایان دادن به گرانی، احتکار و سودجویی آزمندان در بازرگانی داخلی است. انجام سریع این اقدامات از نظر رفع ناراضی‌های ناشی از گرانی و اختلال در معیشت عمومی، که نه تنها زحمتکشان، بلکه اقشار متوسط جامعه را هم به ستوه آورده، امری بی نهایت ضروری است. لیبرال‌ها قصد دارند بر امواج این ناراضی‌ها مردم را از انقلاب روگردان سازند. با خلع ید از سرمایه بزرگ وابسته تجاری، یکی از عمده‌ترین پایگاه‌های اقتصادی - اجتماعی لیبرالیسم را، که ضد - انقلاب و امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا به استفاده از آن پرداخته‌اند، درهم شکنیم و انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی را بر پایه ایجاد اقتصادی به معنی واقعی کلمه مستقل و خلقی، که ضامن شکست ناپذیری جمهوری اسلامی ایران خواهد بود، استوار سازیم.

نگرش کوتاه تاریخی بر نقش سرمایه بزرگ تجاری

سرمایه بزرگ تجاری در اواسط قرن گذشته میلادی می‌توانست نقش مترقی در اقتصاد ایران از مرحله تولید دستی پیشه‌وری به تولید بزرگ ماشینی داشته باشد. این سرمایه می‌توانست از کوشش‌های امیر کبیر برای ایجاد کارخانه‌های جدیدالتاسیس ماشینی در فاصله سالهای ۶۰-۱۸۵۰ استقبال بعمل آورد. لیکن از آنجاکه سرمایه‌گذاری در صنعت شامل چنان منفعتی نبود که سرمایه‌های آزاد مبادله کالا بدست می‌آورد، تجار بزرگ آن زمان نه فقط از کوشش‌های امیر کبیر استقبال نکردند، بلکه بعزل او و عقیم گذاشتن اولین تلاش‌ها در راه ایجاد صنایع ماشینی در ایران نائل آمدند.

در نیمه دوم قرن نوزدهم، موازی بسا تشدید نفوذ کالای خارجی در بازار ایران، سرمایه بزرگ تجاری به خدمت استعمار و سپس امپریالیسم درآمد. سرمایه بزرگ تجاری با اقدام به وارد کردن کالای صنعتی از خارج، نه فقط خود را با ایجاد صنایع ماشینی رابعهده نگرفت، بلکه باعث شد که تولیدات وسیع پیشه‌وری صنعتی در ایران بگلی از هم متلاشی گردد. همزمان با کسب منفعت از راه فروش کالای خارجی در بازار ایران، سرمایه بزرگ تجاری دست به خرید املاک و اراضی زراعی زد و کشاورزی ایران را نیز در جهت تبعیت از بازار امپریالیستی کشانید. بدینسان، سرمایه بزرگ تجاری بصورت سرمایه کمپرادوری، یعنی سرمایه ذینفع در توسعه نفوذ کالای بیگانه و وابستگی ایران به بازار امپریالیستی، تبدیل کشور ما به زانده تولید مواد خام کشاورزی برای بازار جهان سرمایه‌داری و ذینفع در حفظ نظام عقب مانده و وابسته را بر سر عینی شکل کامل بخود گرفت.

در انقلاب مشروطه کوشش‌هایی برای ایجاد صنایع ماشینی در ایران بعمل آمد. لیکن این بار نیز سرمایه بزرگ تجاری این کوشش‌ها را عقیم گذاشت. نه تنها در زمینه صنعتی کردن، بلکه در زمینه اجتماعی و سیاسی نیز سرمایه بزرگ تجاری و نمایندگان آن در کنار فئودالها و ملاکین بزرگ قرار گرفتند و از تعمیق انقلاب مشروطه بسود تمامین استقلال و آزادی و ترقی ایران جلوگیری کردند. سرمایه بزرگ تجاری و محافل لیبرالی حافظ منافع آن، در خط وابستگی ایران به امپریالیسم و قبول سلطه ارتجاع داخلی فئودال-ملاک باقی ماندند. در کوشش‌ها و جوش‌های انقلابی که پس از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر در

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده‌های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمت‌ها و جلوگیری از غارت سرمایه‌داران بزرگ، دلالان و محترک‌انست

دستی فراتر آور

خواهند خاست این بار
ققنوسهای دیگر
و بال می کشند بر آفاق
از بستر حماسه و خاکستر

در کوچه کوچه خونین شهر
(هرچند
ویرانه‌های است دیگر)
آوای ماندگاری است
تکرار زندگی است که می جوشد
از سنگ سنگ سنگ

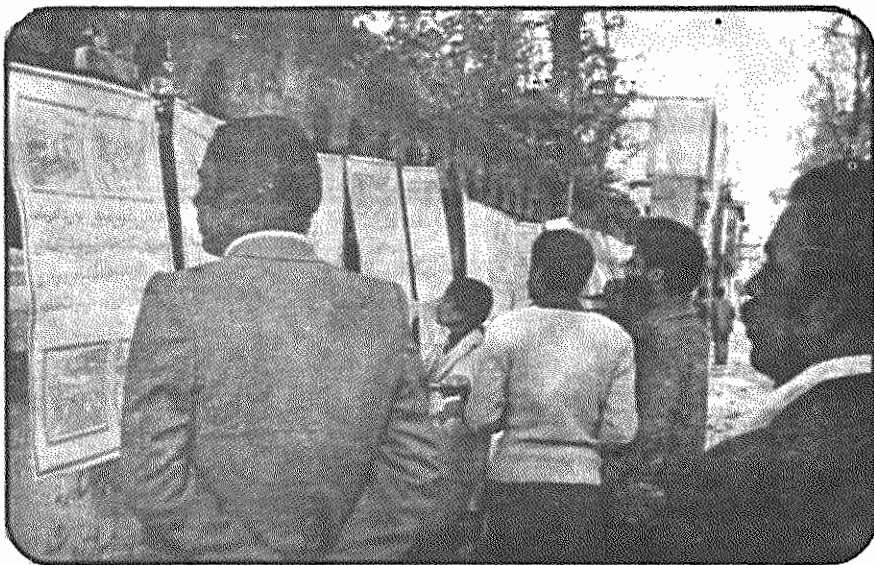
سنگ مقاومتند
زخم عمیق صاعقه‌اند
شور و شهادتند
خاکسترند که می بارند
بر جان دشمنان

عصر غریب پاییز
فواره‌های روشن خون‌را، جهان، جهان
دیدید بر آسمان که رها می شد
اینگ،
اروند را ببین که چه زیبا، می ماند
خاموش و سرگران

خواهند خاست این بار
ققنوسهای دیگر
و بال می کشند بر آفاق
از بستر حماسه و خاکستر
دستی فراتر آور
تکرار کن حماسه خونین
یا مرگ، یا رهایی!
آواز رستگاری انسان
بنویس بر زمین
بنویس بر زمان

جلال سرفراز
۵۹ آبان

گذری بر اشغال جاسوسخانه امریکا



بمناسبت ۱۳ آبان، سالروز
اشغال جاسوسخانه آمریکا
نمایشگاهی به نام "گذری بر
اشغال جاسوسخانه آمریکا"
از طرف اعضا و هواداران حزب
توده ایران در مشهد برگزار شد.
در این نمایشگاه موضوع
حزب توده ایران و نیروهای
هوادار خط امام در جهت تعمیق
مبارزه ضد امپریالیستی و نیز
موضع لیبرال‌ها در جهت سازش

کردن و مسخ انقلاب به صورتهای
مختلف به نمایش گذاشته
شده بود. در نمایشگاه مزبور
همچنین بر لزوم وحدت عمل
مردم در مقابل جنگ تحمیلی
رژیم صدام و توطئه‌های بر-
اندازی آمریکا تاکید شده بود.
نمایشگاه "گذری بر اشغال
جاسوسخانه آمریکا" با استقبال
گرم مردم مشهد روبرو گردید.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

سیاسی امپریالیسم و از بین بردن نفوذ سرمایه-
های خارجی و وابسته در رشته‌های بانکی و
کشاورزی در دستور قرار داشت. اکنون زندگی
خود طرد سلطه امپریالیسم و سرمایه‌های وابسته
را در زمینه بازرگانی خارجی و تجارت داخلی
در دستور قرار داده است. می توان گفت،
در عین اینکه این وضع نشانه روشنی از تعمیق
انقلاب است، در همان حال این وضع نشانه
آن است که انقلاب در لحظه کنونی با یکی از
وظایف بسیار خطیر و مهم خود روبروست.
انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ما باید بتواند
در این مرحله نیز از عهده این وظیفه اساسی و
مهم برآید و به خلق یک سرمایه بزرگ وابسته
تجاری، چنانکه امام خمینی بدستی گفته اند،
به "ظرافت زبانی بازار" نائل آید.
سرمایه بزرگ وابسته تجاری در مرحله
کنونی عمده ترین نقش را در مخالفت با انقلاب
به عهده گرفته است. تشییع پیروزی‌هایی که
انقلاب تاکنون بدست آورده، هم چنین هموار
ساختن راه رشد آتی آن ورهائی کامل از سلطه
امپریالیسم و سرمایه خارجی، بدون خلق پداز
سرمایه بزرگ وابسته تجاری ممکن نیست.
اصل ملی کردن بازرگانی خارجی و ذخایر عمده
کالایی، گسترش شبکه توزیع دولتی، تعاونی-
ها با جیره بندی، اهرم‌های اساسی خلق پد
سرمایه بزرگ وابسته تجاری در بازرگانی
خارجی و پایمان دادن به گرانی، احتکار و
سودجویی آزمندان در بازرگانی داخلی است.
انجام سریع اقدامات اخیر، از نظر رفع
نارضایتی‌های ناشی از گرانی و احتکار و اختلال
در معیشت عمومی، که نه تنها زحمتکشان، بلکه
حتی اقشار متوسط جامعه را به ستوه آورده،
امری است بی نهایت عاجل و ضرور. لیبرال‌ها
که اینک نمایندگی سرمایه بزرگ وابسته
تجاری را هم بر عهده گرفته اند، قصد دارند
بر امواج این نارضایتی‌ها، مردم را از انقلاب
روگردان سازند و زمینه را برای مسخ انقلاب
فراهم آورند.
با خلق پد از سرمایه بزرگ وابسته تجاری،
یکی از عمده ترین پایگاه‌های اقتصادی -
اجتماعی لیبرالیسم را، که ضدانقلاب -
امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، به
استفاده از آن پرداخته اند، درهم شکنیم و
انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی را برای ع
ایجاد اقتصادی به معنی واقعی کلمه مستقل و
خلق، که ضامن شکست ناپذیری جمهوری
اسلامی ایران خواهد بود، استوار سازیم.

کشور)، مهم تر اینکه، عنصر ذهنی انقلاب،
در مورد ضرورت و تحقق این کار، از آگاهی لازم
برخوردار نبود.
خوشبختانه در شرایط کنونی انقلاب ضد
امپریالیستی و خلقی، نه فقط شرایط عینی
کاملاً مساعدی برای طرد سرمایه بزرگ وابسته
تجاری از مواضع اشغالی آن در اقتصاد ایران
وجود دارد (ضعف عمومی امپریالیسم، وجود
جامعه کشورهای سوسیالیستی و ضدامپریالیستی
و سطح قابل ملاحظه رشد اقتصادی و اجتماعی در
داخل)، بلکه هم چنین نیروهای انقلابی حاکم
کم و بیش براهمیت تحقق این کار تاریخی و قوف
دارند.
باید دانست که در کنار تمام مسائل دیگری
که انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی باید به حل
آن‌ها در کشور ما قادر گردد، مسئله مرکزی،
اولویت بخشیدن به امر تولید اجتماعی در
زمینه‌های گوناگون صنعتی و کشاورزی است.
اکنون رشد اقتصادی کشور ما به مرحله رسیده
است، که در اولویت قرار دادن تولید اجتماعی
را بصورت سرمایه‌گذاری‌های عظیم در صنایع و
کشاورزی و حمل و نقل و مسکن و همه امور که
مستقیماً با تولید سروکار دارد، طلب می کند.
سرمایه تجاری از تخت فرماندهی بر کلیه امور
اقتصادی و اجتماعی - چنانکه در گذشته بوده و
اکنون نیز هست - باید به زیر کشیده شود. حیطة
فعالیت سرمایه تجاری به ایفای نقش توزیع کالا
در داخل، آن هم با در نظر گرفتن نقش برتر بخش
دولتی و تعاونی - چنانکه قانون اساسی جمهوری
اسلامی مقرر داشته - باید محدود گردد. تنها
در چنین حالتی است که می توان زیربنای
اقتصادی جامعه نوین انقلابی را ساخت و به
استقلال واقعی اقتصادی و رفاه اجتماعی طبقات
زحمتکش و مولد ثروت نائل آمد.
آزادی فعالیت سرمایه بزرگ وابسته تجاری
عامل ترمز کننده و بازدارنده در نیل به اهداف
یاد شده است. آزادی فعالیت سرمایه بزرگ
وابسته تجاری هیچ گاه به کشور و جامعه انقلابی
ایران امکان نخواهد داد که به این اهداف
حتی نزدیک شود، چنانکه سرمایه بزرگ وابسته
تجاری، حتی در شرایط انقلابی کنونی ایران،
باجلب سرمایه‌های دیگر به فعالیت در زمینه
بازرگانی و سودبری از این فعالیت، عملاً
رشته‌های دیگر فعالیت اقتصادی را به فلج
کشانیده و می کشاند.
در مراحل اولیه پس از پیروزی انقلاب،
حل مسائل مبرم تری نظیر طرد سلطه نظامی و

نقش سرمایه بزرگ...

بقیه از صفحه ۳
است، مواضع عظیمی را در اقتصاد ایران در اختیار
دارد.
امروز که مسئله سرنوشت انقلاب مطرح است
و باید از راه طرد تسلط غارتگرانه همه سرمایه-
های بزرگ وابسته و طفیلی دستاوردهای انقلاب
تثبیت شود و راه انقلاب به جلو در جهت تامین
استقلال و آزادی واقعی و تحکیم جمهوری
اسلامی ایران هموار گردد، سرمایه‌های بزرگ
وابسته تجاری همه این مواضع را در خدمت
ضدانقلاب و امپریالیسم حامی آن قرار داده
است. خطر لیبرالیسم که اینک نمایندگی
مجموعه سرمایه‌داری ایران را بر عهده گرفته
است، از همین جا ناشی می شود. اینکه
سرمایه‌داران عمده بازار در برابر خطا امام
خمینی، "خط می کشانند، مظهر مقاومتی است
که بطور عمده از مواضع سرمایه بزرگ وابسته
تجاری در برابر انقلاب ناشی می شود.

سرمایه بزرگ وابسته تجاری محکوم به زوال است

خلق پد سرمایه بزرگ وابسته تجاری ضرورت
عینی پیشرفت اقتصاد کشور و دسترسی به
استقلال و آزادی واقعی و تحکیم جمهوری
اسلامی ایران است و انقلاب ضدامپریالیستی
و خلقی ایران قادر به خلق پد این سرمایه‌داری
است.
در تحلیل بخش اول این نوشته دیدیم که
سرمایه بزرگ وابسته تجاری، که از اواسط قرن
گذشته، نقش ترمز کننده و اوتجاری در پیشرفت
اقتصادی ایران ایفا می کند، قادر بوده است در
هر چرخش تاریخی، با ایفای نقش موزرانه،
خود را مصون نگاه دارد و همچنان به موجودیت
خود تابحال ادامه دهد. این توفیق به طور
عمده از آن جهت نصیب سرمایه بزرگ وابسته
تجاری گردیده، که اولاً در انقلابات و
چرخش‌های قبلی تاریخی در کشور ما، تا حدی
زمینه عینی طرد سرمایه بزرگ وابسته تجاری
وجود نداشت، (تسلط مطلق ونسی امپریالیسم
بر جهان و سطح نازل رشد اقتصادی - اجتماعی

در مطبوعات کشور

رابطه العالم الاسلامی در عربستان به نفع امپریالیسم آمریکا فعالیت می کند

"امپریالیسم جهانی، به سرکردگی
آمریکا، برای حفظ سلطه غارتگرانه
خود بر کشورهای جهان سوم، از هر وسیله
و ابزار مادی و فرهنگی بهره می برد.
به همین جهت بی دلیل نیست که در
مقابل کشورهای مسلمان انقلابی، چون
جمهوری اسلامی ایران، جمهوری لیبی
جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر،
جمهوری سوریه و سازمان آزادیبخش
فلسطین، دست نشاندهائی با ظاهر
اسلامی و باطن آمریکائی چون رژیم‌های
شاه حسین، شاه حسن، ضیاء الحق،
سعودی، آل قابوس و... نیز وجود
دارند و حکم اسب راهوار امپریالیسم
آمریکا را دارند. آمریکا که از وقوع
انقلاب‌های اسلامی با ابعاد ضد-
امپریالیستی و ضد استعماری، نظیر
آنچه که در ایران بر رهبری امام امت
خمینی کبریا داد، هراس دارد، در صدد
عقیم کردن زمینه‌های انقلاب اسلامی
در ممالک تحت رژیم‌های دست نشانده
خود برآمده است. در همین رابطه یکی از
شاخه‌های فرهنگی امپریالیسم آمریکا
بمنظور نفوذ در ممالک و ملت‌های
مسلمان با نام "رابطه العالم الاسلامی
در عربستان سعودی فعالیت دارد، که
بطور اختصار "رابطه" نامیده می شود.
"رابطه" حلقه‌ای از زنجیر
مفتی‌های آلت دست امپریالیسم
جهانی است که در ممالک دست نشانده
آمریکا، دست اندر کار خنثی کردن
موجهای انقلاب و حفظ و حراست نوعی
اسلام با طبع آمریکائی جنایتکار
هستند. "رابطه" نیز چون مفتی‌ها که
در دربار شاه حسن و سادات خائن گرد
آفته بودند تا با اصلاح خودشان
(اشتباهات آیت الله خمینی را تصحیح
کنند) از گسترش امواج جهانگیر انقلاب
اسلامی به هراس افتاده است و از این
رو می گوید، دستاوردهای حیات بخش
انقلاب اسلامی ایران را تخطئه کند و
در مقام جاسارت به رهبری انقلاب اسلامی
ایران خمینی بت شکن برآمده است، اما
پاسخی که امام خمینی رهبر کبیران
به این قبیل اراجیف آمریکا ساخته
داده است، پاسخ هریاوه پرداز است
که بخواهد در جهت دفاع از منافع
امپریالیسم جهانی، انقلاب اسلامی
ایران را بباد ناسزا بگیرد و یا برای
خوشامداری با آن آمریکا بی خود، به
رهبری انقلاب ما اهانت کند.
"رابطه العالم الاسلامی" با استفاده
از برجسب اسلام بطور مستقیم و غیر-
مستقیم در تمام سازمانهای اسلامی
جهان نفوذ کرده است. آئین "رابطه"
با این سازمان اجازه نمی دهد که از
حکومت خود، یعنی حکومت استبدادی
قبیله‌ای عربی سعودی انتقاد کند.
در "اسلام رابطه" هیچ محلی برای انتقاد
از دیکتاتورهای که به وسیله امپریالیسم
آمریکا حمایت و پشتیبانی می شوند
وجود ندارد. جایگه پای عروسکهای
خیمه شب بازی آمریکا در میان باشد،
"رابطه" هرگز بقایا آنها کاری ندارد.
بعنوان مثال، هنگامیکه شاه سابق
از اسلام و اتحاد مسلمین دم می زد،
"رابطه" بهیچوجه سخنی از شیعه بودن
او بمیان نیاورد و در آن هنگام که
حکومت دیکتاتور زنیال یحیی خان،
پاکستان را بسوی فتناسوق می داد،
"رابطه" و حامیان سعودی سخنی درباره
تشیع او نگفتند و او را رافضی نامیدند
و قتیکه دولفقار علی بوتو خواستار
تشکیل جلسه سران کشورهای اسلامی
شد، بزرگترین حامی "رابطه"، یعنی،
پادشاه سعودی، بندهای اولبیک گفت و
"رابطه" اهمیتی به شیعه بودن بوتو
نداد، زیرا اگر کسی نوکردست نشانده
امپریالیسم آمریکا باشد، تمام
گناهاش از نظر دولت سعودی آمرزیده
است!"
(پیام‌ها جر، ۲۴ آبان ۵۹)

نمایندۀ جهاد سازندگی در هیئت ۷ نفری واگذاری زمین در گلپایگان:

یکی از پایگاههای مهم امپریالیسم در ایران، زمینداری بزرگ است

های مسکونی به افراد فاقد زمین واگذار نمود. در همین حین بود که یکی از نماینده های مومن و فعال هیئت در روستاهای کنجدجان بدست زمینخواران در موقع آبیاری ترور و شهید شد. قسمتها یکی دیگر از فعالیتها هیئت به این شرح است:

- واگذاری مقدار زیادی زمین موات در اطراف کانال آبرسانی به جنوب گلپایگان، تقسیم و واگذاری ۲۰۰ هکتار اراضی روستاهای ورزنه با همکاری ۲ نفر معتمدین فعال قریه مذکور،

- تقسیم و واگذاری ۱۰۰ هکتار اراضی موات و بایر روستاهای کنجدجان، که در تصرف زورگویان و اشخاص قلدر بود، به ۹۰ نفر از افراد بی زمین محل،

- تقسیم و واگذاری ۱۰۰ هکتار اراضی جنوبیمستان حلال احمد در امتداد جاده گلپایگان - خمین، به افراد بی زمین و کم زمین،

- تقسیم و واگذاری ۴۰ هکتار اراضی جنوب رباط و محل چال به افراد بی زمین و کم زمین،

- واگذاری مقدار زیادی از اراضی موات روستای قلعه مورتور، نماینده جهاد سازندگی در بیان مصاحبه منتشره در نشریه ماها نه جهاد سازندگی گلپایگان گفت:

"اخیرا که هیئت مشغول بررسی زمینهای بایر بود، متاسفانه مخالفتها بی باک این طرح از جانب جنابهای مختلف شد. این جناحها به تلاش خود جهت لغو قانون تقسیم زمین اقدام دادند و متاسفانه با معلق شدن این بند "ج"، هیئت و همچنین کشاورزان در تنگناهای جدیدی قرار گرفتند."

البته سخنان مقامات مسئول و اعلامیه ستیاد واگذاری زمین نشان میدهد که هیئت های ۷ نفری باقی میمانند و فعالیت خود را با قاطعیت ادامه میدهند و در "مناطق مساعد" اجرای قانون ادامه می یابند و بندهای دیگر نیز پیاده میشود و بدون شک انقلاب ریشه فئودالیسم را این پایگاه امپریالیسم را برخواهد کند. سخنان نماینده جهاد گلپایگان بیان این واقعیت است.

زمین را به همین کشاورزان بدهند تا بکار برند، و یا اسلامکن است جهت کارشکنی در شرایط فعلی، زمین را همینطور رها کنند، که در هر صورت هم کیفیت محصول پائین می آید و هم اینکه کشاورزان دیگر بصورت نصفه ای زمین را نمی کارند و زمین بلا استفاده می ماند، و این به ضرر خود کفایت کشاورزی در این شرایط حساس کشور است."

در پاسخ به این سوال که: ممکن است عملکرد هیئت را از زمان شروع بکار تاکنون در منطقه گلپایگان بیان کنید، نماینده جهاد سازندگی گفت:

"هیئت واگذاری زمین کوشش خود را از ابتدای شروع زمینهای موات صرف کرد، و از این طریق چندین شرکت تعاونی کشاورزی تأسیس شد که اغلب آنها توسط دیپلمه های بیکار اداره می شوند، و هم اکنون بیشتر این شرکتها مشغول کشت می باشند و چند شرکت هم با مشکلاتی از قبیل نداشتن آب و غیره روبه رو هستند. البته این کار با زحمات زیاد از حد برادران هیئت انجام شد."

در مرحله دوم هیئت مشغول بررسی روی زمینهای با برشده ابتدای شرکت "خسرو" با همکاری دادگاه انقلاب منحل نمود و مقدار ۷۰ میلیون ریال وام این شرکت را قطع کرد و مدهکتار زمین این شرکت را به متقاضیان واگذار نمود. سپس فعالیتها خود را در روستاهای گلپایگان با انتخاب نماینده های هیئت در روستاها شروع کرد و پیرامون زمینهای بایر و موات آن به تحقیق پرداخت، در چندین روستا مثل کنجدجان و ورزنه، زمینهای کشاورزی و موات را جهت کشاورزی و احداث واحد-

۱۵ خرداد در خط امام بودند، و نه در اوج انقلاب شکوهمند اسلامی و نه حالا در این شرایط حساس که کشاورزان باید برای خود کفایت، زمینها را هر چه بیشتر کشت کنند، بزرگترین مشکلی که بر سر راه هیئت قرار دارد، همین کارشکنیها است. به عقیده ما چنانکه امام فرمودند، مردم ما خوبند و مسائل را خوب می فهمند و بابت اشخاصی راهم که فرقی بین اشخاص انقلابی و غیر انقلابی راهنوز تشخیص نمی دهند، از این مسائل آگاه کرد، تا حرفهای دروغین کسانی را که دم از اسلام و امام می زنند و بسیار هم قشری فکری کنند، درک نمایند."

نمایندۀ جهاد سازندگی درباره معلق ماندن بند "ج" قانون واگذاری زمین و اینکه آیا این اقدام به نفع انقلاب است، گفت:

"من فکری کنم که این بند در اشرافار همه جانبه عناصر شناخته شده ای که همیشه تحت تاثیر افراد زمیندار و سرمایه دار واقع می شوند و بعلت عدم درک صحیح مسائل اسلامی، بجای اینکه مستضعفین طرفداری کنند، طرف مستکبرین را میگیرند، و اخیرا نیز خواستار لغای بعضی از مصوبات شورای انقلاب در مجلس شورای اسلامی شده بودند، معلق شده است. و این معلق شدن، گرفتاریهای زیادی برای هیئت ۷ نفری در سراسر کشور بوجود خواهد آورد، که در نهایت چه نفع زمینداران و به ضرر کشاورزان و کشاورزی در ایران تمام خواهد شد. چون کشاورزان که با اجرای این قانون، به آنها زمین واگذار شده، بازحمت شبانه روزی مبتدیان به کشت بزرگ یا می خواهند بصورت نصفه ای یا بصورت روز مزد،

مشکلاتی تاکنون بر سر راه هیئت وجود داشته و دارد. گفت: "هیئت واگذاری زمین مورد حمایت نهادهای انقلابی مانند جهاد سازندگی، سپاه پاسداران، دادگاه انقلاب گلپایگان و بعضی ارگانهای دیگر قرار گرفت. هیئت در زمان شروع کار از طرف دادگاه انقلاب گلپایگان حمایت و پشتیبانی می شد، ولی پس از اینکه حاکم شرع قبلی، آقای میرمناهی حکم صادره زمینهای قریه رباط سرخ را، که متعلق به افرادی صاحب نفوذ بود، صادر کرد، این افراد زمیندار به تلاش افتادند و بعد از مدتی حکم صادره حاکم شرع از طرف مقامات بالاتر ملغی شد. پس از ابطال این حکم، حاکم شرع دیگر قادر به ادامه کار نشد و استعفا کرد."

نمایندۀ جهاد سازندگی در ادامه سخنانش توضیح داد که حاکم شرع بعدی، به اشکال مختلف در کار هیئت کارشکنی کرد، و مانع از واگذاری زمینها به دهقانان زحمتکش شد. و حاکم شرع بعدی در جواب یکی از برادران که سوال کرد: پس ما جواب مردم مستضعف بدون خانه را چه بدهیم، گفت: "من به خاطر مستضعفین به جهنم نمی روم!"

نمایندۀ جهاد سازندگی در ادامه توضیحاتش گفت: "اینجا برای ما مطرح است که چه کسانی با امام خمینی مخالفت می کنند؟ مگر مخالفت چگونه است؟ امام با رها و بارها فرموده اند که به کشاورزان بگوئید اسلام نه طرفدار فئودال است نه طرفدار سرمایه دار. به اعتقاد ما اینگونه افراد با این ماهیت که اکنون میراث خواران انقلاب شده اند و با ارگانهای انقلابی مخالفت می کنند، نه در

دفتر جهاد سازندگی شهرستان گلپایگان نشریه ای بطور ماهانه منتشر می کند و در آن اقدامات و فعالیتها خود را در منطقه منعکس می سازد. نماینده جهاد سازندگی در هیئت هفت نفری واگذاری زمین در گلپایگان، در مصاحبه ای با این نشریه، که در شماره ۵۹ آن چاپ شده است، درباره فعالیتها هیئت واگذاری و اقداماتی که تا کنون انجام گرفته و نیز موانع و مشکلات و کارشکنیها که بر سر راه آن قرار دارد، توضیحات جالب و آموزنده ای داده است. وی درباره مبارزه با شیطان بزرگ آمریکایی جهانخوار و رژیم جنایتکار صدام گفت:

"برای مبارزه با امپریالیسم باید بسیج ملت و ارتش و سپاه در صدر برنامه های دولت قرار گیرد. میدانیم که مبارزه با امپریالیسم، جدا از مبارزه با پایگاههای داخلی آن نیست. لذا مبارزه با این پایگاهها اعم از سرمایه داری وابسته، فئودالیسم، ارباب رعیتی و وابستگی های صنعتی و نظامی تا نابودی کامل آنها و بر طرف کردن روابط ظالمانه ناشی از آن، ضرورتی اجتناب ناپذیر است. یکی از پایگاههای مهم امپریالیسم در ایران، که معلول نظام استکباری شاهنشاهی پیشین است و در تمام روستاهای ایران ریشه دوانیده، زمینداران بزرگ و روابط و مناسبات ظالمانه زمینداری است. خوشبختانه با تصویب طرح واگذاری زمین از سوی شورای انقلاب و تشکیل هیئت های ۷ نفری واگذاری زمین، گامی مهم در راه از بین بردن فئودالیسم در ایران برداشته شد، که تاکنون در نقاط مختلف کشور، اگر چه با کارشکنی هایی نیز در اجرای آن روبه روبرو شده است، ولی اگر این طرح ادامه یابد، قدمی مهم در جهت منافع دهقانان زحمتکش، که از مستضعفین واقعی این کشور هستند بر داشته می شود."

نمایندۀ جهاد سازندگی، در پاسخ به این سوال که: آیا هیئت ۷ نفری واگذاری زمین در گلپایگان مورد حمایت نهاد های اجرائی قرار گرفته است، و اصولا چه موانعی و

خرده مالکان روستای شیخ عبود بیضا زیر فشار بزرگ مالکان

خرده مالکان روستای شیخ عبود بیضای شیراز خواستار تعقیب بزرگ مالک این روستا و سپس گرفتن محصولات خود هستند. بر اساس اطلاع رسیده، "همت"، بزرگ مالک روستای شیخ عبود بیضا، از روستاهای توابع استان فارس، در زمان طاغوت زمین های خرده مالکان این روستا را، که حدود ۴۰ خانوار هستند، غصب کرد. او به جای این زمین های مرغوب به هریک از روستاییان مزبور ۲ تا ۳ هکتار زمین نامرغوب داد. این عمل باعث اعتراض خرده مالکان و شکایت آنها به مسئولین، در آن دوران، گردید. لیکن مسئولین مزبور،

به نا به ماهیت طاغوتی و ضد مستضعفی رژیم وقت، به جای رسیدگی به دادخواهی دهقانان آنها را زندانی و تبعید کردند. پس از پیروزی انقلاب خوش نشینان روستای مزبور زمین های غصبی بزرگ مالک این منطقه را گرفتند و در آن کشت کردند. خرده مالکان فوق الذکر نیز زمین های خود را از "همت" پس گرفتند و در قسمتی از آنها چغندر کاشتند. لیکن مالک مزبور، که در شهر شیراز گساراز بزرگی دارد، با قیافه حق به جانب و با حمایت چند روحانی - نما، به دادگاه انقلاب مرودشت شکایت کرد و از آن دادگاه حکم توقیف محصولات خرده مالکان را گرفت. متاسفانه نفوذ برخی عناصر ناپاب در این نهاد انقلابی سبب شد که دادگاه انقلاب، علی رغم ماهیت مردمی و ضد طاغوتی خود، تصمیمی به زیان نیرو های انقلابی و مستضعفان بگیرد. ما ضمن جلب توجه مقامات مسئول به این نکته و همچنین نقش زمین داران بزرگ در توطئه علیه انقلاب، می خواهیم که اجازه ندهند، این عوامل وابسته، در دوران پیروزی انقلاب، بر دهقانان مستضعف که ثمره کار خود و حق خویش را می خواهند، ستم روا دارند.

امام خمینی: اگر به قوانین اسلام عمل شود، هیچ کس دارای زمین های بزرگ نمیشود. مالکیت در اسلام بصورتی است که همه تقریباً در یک سطح قرار میگیرند.

توضیح اداره کل کشاورزی استان مازندران در مورد وضع کشاورزان گیلان و مازندران

اداره کل کشاورزی استان مازندران، ضمن نامهای در مورد مطلب مندرج در شماره ۳۰۳ "نامه مردم" تحت عنوان "دهقانان گیلان و مازندران را دریابید"، توضیحاتی داده است. فتوکپی این نامه توسط اداره کل ارشاد استان مازندران، به شماره ۵۲۲۲/۱۳۰۸/۸۹ برای نام "مردم" فرستاده شده است. در این نامه آمده است: "استان مازندران آب مهار شده در پشت سد جهت آبیاری منطقه ندارد، و از این نظر در بهار گذشته نزولات آسمانی به طور کم سابقه - ای کاهش یافته، به طوری که میزان متوسط بارندگی در محدوده ساری حدود ۵۵ میلیمتر بوده و خشکی تا اواسط مرداد ماه نیز ادامه داشته است. و بالنتیجه سطح وسیعی از مزارع نیمه عمیق و عمیق و کاربرد موتور پمپ و یا بانکت محصول همراه بوده است. از ابتدای سال جاری با احساس مشکل کم آبی، مسئولین اداری و نهادهای انقلابی منطقه هریک به سهم خود با همکاری و خودیاری

کشاورزان، اقداماتی با برنامه های کوتاه و دراز مدت به شرح زیر جهت رفع مشکل فوق در حد امکان به عمل آورده اند: ۱- کمک مالی و فنی به گروهی از کشاورزان در حفر چاه های عمیق و نیمه عمیق و معمولی و کاربرد موتور پمپ و سالی های احتمالی آبی، در درآمدت حل و اراضی بیشتری زیر کشت قرار گیرد. برنامه مذکور توسط نهادهای انقلابی و امور آبیاری استان در دست پیگیری است.

دهقانان! بیل شما سر نیزه ای و بذر شما گلوله ایست، به قلب دشمن شخم بزنید، بکارید، تولید کنید، تا امریکای جنایتکار را درهم شکنید!

در جمهوری سوسیالیستی ویتنام تصویب قانون اساسی جدیدی تدارک دیده میشود

این کشور را "حکومت دیکتاتور" پرولتاریا "می نامد که در آن حزب کمونیست رهبری کشور را در گذار از تولید خرده پای به تولید بزرگ سوسیالیستی به عهده دارد. این قانون اساسی، در واقع، رهنمودهای کنگره چهارم حزب کمونیست ویتنام را تسجیل قانونی می بخشد.

بموجب قانون اساسی جدید در ساختار حکومتی ویتنام نیز تغییراتی پدید خواهد آمد. برای نمونه " شورای حکومتی" جایگزین مقام

در جمهوری سوسیالیستی ویتنام، تصویب قانون اساسی جدیدی تدارک دیده میشود. پیش نویس این قانون اساسی در بهار سال ۱۳۵۷ برای بحث و بررسی مردم آماده گشت. پس از آنکه در دو سال پیش، هزاران پیشنهاد اصلاحی از سوی مردم واصل و منظور گردید کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام آخرین پلنوم خود، به شرح درباره محتوای اصلی متن کنونی پرداخت و آنرا تصویب کرد. این پیش نویس اکنون، برای تصویب



جنايتكاران آمريكائي براي كودكان ویتنامي جز بمب تايلم چيزی «هدیه» نياوردند ولي جمهوری سوسیالیستی ویتنام زندگی شاداب و شكوفايي را براي كودكان ویتنامي تضمین کرده است.

ریاست جمهوری و "کمیته دائمی مجلس ملی" خواهند شد. اعلامیه پلنوم پیشگفته خاطر نشان میسازد که قانون اساسی جدید گامی مهم در راه تکمیل دموکراسی سوسیالیستی و توسعه حق زحمتکشان نسبت به اعمال حکومت خود خواهد بود. به موجب این اعلامیه، قانون اساسی آینده مردم ویتنام را بار دیگر توان خواهد بخشید که بازسازی ویتنامی صلح جو، مستقل، متحد و سوسیالیستی را ادامه دهند.

نهایی، در اختیار "مجلس ملی" قرار میگیرد. بدین ترتیب، ویتنام دارای سومین قانون اساسی در تاریخ و پنجاه ساله حیات خود خواهد شد. در نخستین قانون اساسی ویتنام، که در پائیز ۱۳۳۵ تصویب رسید، نخستین گامها در جهت پاسداری از منافع زحمتکشان و اصلاحات ارضی برداشته شد. از سوی دیگر، این قانون اساسی، درباره چگونگی مالکیت وسائل تولید ساکت بود.

در سال ۱۳۳۸، هنگامیکه در شمال مدتها از اعلام گذار به سوسیالیسم گذشته بود ولی جنوب هر چه بیشتر زیر سلطه نواستعمار قرار میگرفت دومین قانون اساسی لازم آمد. این قانون اساسی ویتنام را بعنوان "کشور توده ای - دموکراتیک، مبتنی بر اتحاد کارگران و دهقانان و برهبری طبقه کارگر" توصیف میکند. با آزادی کامل جنوب و تشکیل "جمهوری سوسیالیستی ویتنام"، بار دیگر شرائط جدیدی پدید آمده است. قانون اساسی آینده جمهوری سوسیالیستی ویتنام حکومت

ثابت کنیم که وختا مواضع جهانی بسود جوانان نیست و خواستار آن شدیم که گفتگو درباره تنش زدایی حتما ادامه یابد.



پیکار فدراسیون جهانی جوانان دمکرات بر ضد امپریالیسم و در راه صلح

حال، باید به پشتیبانی همه جانبه از نیروی خلقها با امپریالیسم، فاشیسم، استعمار و نواستعمار بپردازیم. در این زمینه، باید اشاره کرد که بازتابی است از خواست فزاینده جوانان نمایی بر حفظ صلح و احقاق هدفهای دیگر آنها.

ما بخوبی به مسئولیتی که در زمینه دفاع از منافع بیش از ۲۷۰ سازمان عضو، از بیش از ۱۱۰ کشور هر پنج قاره



نمایندگان جوانان و دانشجویان جهان در یازدهمین فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان در هاوانا، پایتخت کوبا (تابستان ۱۳۵۷)

بعهده داریم، واقف هستیم. برای آنکه به اهمیت و وزنه ندای جوانان پی ببریم، کافی است یادآور شویم که فدراسیون جهانی جوانان دمکرات بطور رسمی و با عنوان مشاور در سازمانهای اختصاصی سازمان ملل متحد، مانند "یونسکو"، "سازمان بین المللی کار"، "سازمان خوار و باران ورزشی" و "اکوسوک" فعالیت دارد. از سوی دیگر، سه سازمان اختصاصی خود فدراسیون جهانی جوانان دمکرات یعنی "کمیته بین المللی جنبش های کودکان و جوانان"، "دفتر بین المللی جهانگردی و مبادله جوانان"، و "خدمات جهانی داوطلبان همبستگی و دوستی جوانان" از وجه جهانی برخوردارند.

پرسش: یکی از مهم ترین وظایف فدراسیون جهانی جوانان دمکرات را تا مین نتایج کنونی تنش زدایی توصیف کردید. به نظر شما در این زمینه به چه مسائلی باید اولویت داد؟

میکلوش باراباش: برای نمونه، ما تصمیم "تاتو" را در دسامبر سال پیش، مبنی بر استقرار موشک های میان برد در اروپای غربی، به مثابه تلاش آشکار ایالات متحده آمریکا و "تاتو" برای کسب برتری نظامی در قبال اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از زبانی میکنیم. اما بعقیده ما، تسریع مسابقه تسلیحاتی راه حل مسائل سیاسی نیست. از اینرو، جوانان جهان، با احساس کامل مسئولیت خود در این زمینه، خواستار تصویب "سالت ۲" و ادامه مذاکرات موثر درباره خلع سلاح هستند. ما از همه ابتکارات اتحاد شوروی در اینباره پشتیبانی میکنیم. بدین سبب در ژانویه سال آینده، گرد همایی از جوانان و دانشجویان جهان درباره خلع

فدراسیون جهانی جوانان دمکرات در ۱۹۹۱ با آن مسال سی و پنجمین سالگرد بنیانگذاری خود را جشن گرفت.

در زیربخشی از مصاحبه ای را که باین مناسبت هفته نامه "هوریتسونت" (جمهوری دمکراتیک آلمان) با میکلوش باراباش، دبیرکل فدراسیون جهانی جوانان دمکرات، بعمل آورده است، از نظر خوانندگان می گذاریم:

پرسش: سه دهه و نیم از تشکیل جوانان دمکراتی جهان در فدراسیون جهانی جوانان دمکرات میگذرد این سالها را چگونه ارزیابی میکنید؟

میکلوش باراباش: بیایه - گذاری فدراسیون جهانی جوانان دمکرات در کنفرانس جهانی جوانان در لندن در سال ۱۹۴۵ (۱۳۲۴) دارای دو انگیزه بود: نخست این اندیشه که، نسل جوان پس از جنگ جهانی دوم، همه توان خود را در راه جلوگیری از آتش افروزی جدید در سطح جهانی بکار اندازد، و دوم آنکه نهادی برای دفاع از منافع جوانان پدید آید.

**در جنگ عادلانه
بر ضد رژیم
صدام حسین
و برای دفاع
از میهن انقلابی
شرکت کنیم!**

تامین مواد اولیه يك ضرورت مبرم انقلابی برای واحدهای تولیدی است

- * کمبود مواد اولیه میراث رژیم دست نشانده پهلوی و از عوارض نظام سرمایه داری وابسته و جزئی از توطئه امپریالیسم علیه انقلاب ایران است.
- * سرمایه داران بزرگ و مدیران لیبرال درکار تامین مواد اولیه سنگ اندازی می کنند
- * دولت باید خود تامین مواد اولیه کارخانه ها را برعهده گیرد.
- * تامین مواد اولیه يك ضرورت مبرم انقلابی برای واحدهای تولیدی است. نیازهای انقلابی را با شیوه های انقلابی و بکمک نیروهای انقلابی می توان و باید برطرف کرد.
- * کشورهای دوست و جانبدار انقلاب ایران متبعض مصلحتی برای تامین مواد مصرفی صنایع ما هستند.
- * با ملی کردن بازرگانی خارجی گام اساسی درجهت تامین مواد برداشته می شود

کمبود مواد اولیه مصرفی صنایع، از جمله مسائلی جدی واحدهای تولیدی کشور است. این کمبود بطور عمده ناشی از وابستگی همه شئون زندگی جامعه ما به امپریالیسم جهانی و در راس آن آمریکا است، که میراث شوم حاکمیت دربار پهلوی است. پس از پیروزی انقلاب و پیروزی با آغاز محاصره اقتصادی انقلاب ایران بوسیله امپریالیسم آمریکا و هم اکنون با اجرای برنامه امپریالیستی تجاوز رژیم صدام به ایران، مسئله تامین مواد اولیه و قطعات و وسایل یدکی کارگاه ها با پیچیدگی خاصی روبرو شده است.

روشن است که نبودن مواد خام و بدنبال آن فلج شدن کارخانه ها و متوقف شدن تولید، جزئی از کارزار خصمانه است که دشمنان انقلاب در تمام ابعاد اجتماع بر ما تحمیل کرده اند. سرمایه داران بزرگ و مدیران ضد انقلابی و لیبرال نیز به شیوه های گوناگون در اجرای این نقشه خائنه می کوشند. آنها کمبود ارز را بهانه می کنند، وضع جنگی و بنابراین دشواری حمل و نقل و ورود کالاهای خریداری شده، از جمله مواد مورد نیاز صنایع را تبلیغ می کنند و می کوشند، تا با بیایان رسانیدن ذخایر مواد، کارخانه ها را خود بخود تعطیل کنند. هم اکنون بخشی از واحدهای تولیدی، یا در اثر این کمبود تعطیل شده اند، یا با ظرفیت کامل کار نمی کنند، یا در آستانه تعطیل اند. بطوریکه رسانه های گروهی نظیر رادیو تلویزیون و جراید همه روزه نمونه های زیادی از این جریان را منعکس می کنند:

در يك مصاحبه، که آبان ماه گذشته از رادیو ساری پخش شد، کارگران گونی یلفی قلمشهر، ضمن طرح مشکلات خود، از جمله به مسئله مواد خام پرداختند و یکی از سرپرستان کارخانه گفت:

«ما سال گذشته مواد اولیه نداشتیم و بخاطر آن کارخانه یکسال خوابیده بود»

روزنامه اطلاعات (شنبه ۲۲ آذرماه ۵۹) متن تلگرام پنج تن از کارگران اخراجی آلومینیوم سازی اراک به دریافت جمهوری را درج کرده است. در این تلگرام، کارگران ضمن اشاره به مسئله اخراج خود، و این که در لحظه اخراج، دو تن از کارگران اخراجی، درجهب جنگ، می جنگیدند، گفته اند: «کارخانه آلومینیوم سازی اراک تاکنون از داشتن مدیریت کارداران و لایق محروم بوده و عدم کوشش مدیران عامل جهت تهیه مواد اولیه و نبودن مدیریت صحیح، کارخانه را باخطر سقوط روبرو نموده است»

بسیاری از کارخانه های فارس نیز با این امر دست به گریبانند. مثلا کارخانه پلاستیک و کتیک، کارخانجات صنعتی و تولیدی پتروشیمی و روانشاد، شیراز پلاستیک، کارخانجات مختاری ایران (زینتی)، کارخانه آدبیرام، شرکت شیمیایی پرسپولیس، روغن نباتی نرگس شیراز، کارخانه ریشم، کاشی سازی حافظ و...

از کارخانه های بزرگی چون ارج، جنرال موتورز و نظایر آن تا واحدهای کوچک نظیر خیابان ها و نجاری ها و کفاس ها همه و همه نیاز مبرم به مواد اولیه دارند. نیازی به ذکر جزئیات و یا نمونه های بی شمار دیگر نیست.

مسئله این است که، چگونه باید این دشواری را از پیش پای برداشت؟

میراثی که استقلال اقتصادی ما ایجاد می کند که در درازمدت بکوشیم تا با کشف و بهره برداری از منابع داخل کشور، ایجاد واحدهای پژوهشی، تربیت متخصصینی که از این آزمایشگاه ها و پژوهشگاه ها استفاده کنند، و بالاتر از آن، ایجاد صنایع تبدیلی لازم، که خود بخشی از صنایع ملی شکوفای ما خواهد بود، برنامه ریزی های متناسب با آن، در آینده به خودکفایی نسبی برسیم. در این صورت ما دیگر ناگزیر نخواهیم بود از زمین و ماده سادس شیمیایی تا پیچیده ترین دستگاه ها و مواد آنها را از دیگر کشورها وارد کنیم.

اما در حال حاضر و در کوتاه مدت باید بهر قیمت جلو رفته در تولید را گرفت، و این کار میسر نیست، مگر با دخالت مؤثر و قاطع دولت. چگونه؟ با ملی کردن بازرگانی خارجی، با وارد کردن کالاهای و مواد لازم - البته بترتیب اولویت - از کشورهای دوست و هوادار انقلاب ایران.

میدانیم که خوشبختانه این روند هم اکنون آغاز شده است، ولی نباید به آن سرعت داد. حتی يك روز تاخیر - از آنجا که کمترین زیان غیرقابل جبران آن بیکاری هزاران کارگر است - به پیچوجه جایز نیست.

برای این کار وزارت بازرگانی و وزارت صنایع و معادن، در درجه اول و بطور کلی دولت انقلاب باید هیت های را مأمور بررسی کم و کیف مواد مورد نیاز صنایع کند و نیز از سوی دیگر زمینه تامین آن را از طریق کشورهای قریب خواه و دوست انقلاب ما فراهم آورد.

باید جلو خورنری واحدهای تولیدی را گرفت. این کار را نمی توان به سرمایه داران بزرگ سپرد و نمی توان با شیوه های معمولی به انجام رسانید. هر نیاز انقلابی را باید با شیوه های انقلابی و بکمک نیروهای انقلابی برطرف کرد.

کارگران جوشکار بسیار مشهد با تشکیل اتحادیه خویش در جبهه کار و پیکار فعالتر میشوند

پس از تجاوز نظامی رژیم جایتکار صدام به مین و ما و بوجود آمدن مشکلاتی در زمینه مصرف مواد سوختی برای کارگران جوشکار سیار، این کارگران تنها چاره حل مشکلات را مشکل شدن دانستند و پس از مدتی تلاش، موفق به تشکیل سندیکای جوشکاران سیار شدند، که با نام «اتحادیه اسلامی کارگران جوشکار» شروع بکار کرده است.

در اولین جلسه ای که در پنجشنبه اول آبان ماه ۵۹، در محل تقابل جاده معروف به سترو و بلوار فردوسی تشکیل شد، ابتدا یکی از کارگران سخانی

پس از تجاوز نظامی رژیم جایتکار صدام به مین و ما و بوجود آمدن مشکلاتی در زمینه مصرف مواد سوختی برای کارگران جوشکار سیار، این کارگران تنها چاره حل مشکلات را مشکل شدن دانستند و پس از مدتی تلاش، موفق به تشکیل سندیکای جوشکاران سیار شدند، که با نام «اتحادیه اسلامی کارگران جوشکار» شروع بکار کرده است.

در اولین جلسه ای که در پنجشنبه اول آبان ماه ۵۹، در محل تقابل جاده معروف به سترو و بلوار فردوسی تشکیل شد، ابتدا یکی از کارگران سخانی

درباره ضرورت اتحاد و ایجاد سندیکا ایراد کرد، که مورد توجه کارگران قرار گرفت. سپس از طرف اتحادیه کارت به اعضا داده شد. پذیر اتحادیه نیز در مورد وظایف اتحادیه توضیحاتی داد و برنامه کار در لحظه کوئی را به شرح زیر اعلام کرد:

- ۱- بعثت جیره بندی بزین، سهپه سندیکا، که ۴۰۰۰ لیر در روز است، با توجه به تعداد اعضا، که حدود ۴۶۰ نفرند، بطور عادلانه تقسیم خواهد شد.
- ۲- مقدار روغن تحویلی به سندیکا ۸۰۰ لیر در هفته است، که بطور عادلانه تقسیم

۳- حداقل نرخ کار ۶۰ تومان در نظر گرفته شد، البته بطور موقت، تا پس از بررسی، نرخ مشخص اعلام شود.

۴- سندیکا علاوه بر اینکه از کارگران میخواهد که به سر کار کارگران جوشکار دیگری نروند، از این مسئله هم جلوگیری خواهد کرد.

۵- از کارگران خواسته شد که از خریدن «هوا» بمدت ۳ روز خودداری شود، تا سندیکا بتواند افزایش قیمت این کالا را بنفع کارگران از بین ببرد.

۶- سندیکا برای ثابت نگه داشتن نرخ نسیم جوش، از کارگران میخواهد که نسیم جوش را بیشتر از ۵۰ تومان نخرند.

۷- هر هفته روزهای جمعه، از ساعت ۹ الی ۱۱، مجمع عمومی جهت رسیدگی به مسائل و مشکلات تشکیل میشود.

کارگران با اتفاق موافقت خود را با این برنامه اعلام داشتند و در پایان گردهمایی، تجاوز رژیم صدام و توطئه های آمریکای جایتکار را محکوم کردند و به آادگی خود را برای کمک به دلاران جان برکف در جبهه نبرد و هروغ کمک مالی و جانی اعلام کردند.

اعتراضات گسترده سیاهپوستان به تیره قاتل يك سیاهپوست در آمریکا

در شهر میامی در آمریکا، چندین روز است که تظاهرات ضد نژادپرستی جریان دارد. علت این تظاهرات اعتراضیه تیره پلیسی است که یکسال قبل يك سیاهپوست بنام «آرتور مالدانی» را به قتل رسانده. سیاهپوستان قصد دارند بعلافت اعتراض به این تصمیم دادگاه آمریکا، در سراسر شهر راهپیمایی قریب دهند.

پلیس و سربازان گارد ملی آمریکا، در ماه مه امسال، هنگام سرکوبی تظاهرات سیاهپوستان میامی، تقریبا ۲۰ نفر را کشته و دهها نفر را مجروح کرده بودند.

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

گسترش همکاری رژیم آمریکایی ضیاع الحق با برتری طلبان چین

همکاریهای رژیم نظامی سرسپرده ضیاع الحق و برتری طلبان یکن، بیش از پیش توسعه می یابد. به گزارش خبرگزاری «پرس ایشیو اثرناشناله» هند، يك قرارداد محرمانه میان رژیم نظامی ضیاع الحق و برتری طلبان یکن در مورد ایجاد پایگاه دریایی چین در بندر کراچی به امضاء رسیده است. این خبرگزاری در گزارش خود اعلام کرده است که آمریکا تجهیزات لازم را

کارگران سنگبری:

مادرش را یطی که آمریکا علیه انقلاب ایران توطئه میکند، تمام سختیها را تحمل میکنیم، تا بتوانیم بر دشمن پیر و زشویم

باچه زحمتی کار میکنیم و کارمان چه خطراتی دارد. بسا اینحال هیچگونه وسایل ایمنی نداریم. هر لحظه ممکن است قسمتی از کوه خراب شود و به کارگران آسیب برساند. تازه پس از اینسه کار، مقدار سنگی هم که آماده می شود، واسطه ها ارزان می خردند»

سنگبرها برای زندگی کردن مجبورند از جان مایه بگذارند

در پانزده کیلومتری بوشهر، حوالی «لوس»، چند معدن سنگ وجود دارد. در این معادن کارگران سنگبر با ابتدایی ترین وسایل، چون بیل و دیلم، برای بدست آوردن مایحتاج زندگی خود زمین را می شکافند، تا سنگها را بصورت قطعات کوچک درآورند. این سنگها به شهر حمل می-



پرهنه و استوار چون سنگ: «اگر يك روز کار نکنیم، هیچ نداریم»

وی ادامه می دهد: «چند روز پیش شخصی از طرف استانداری آمد و بر این صحنه صحبت کرد. او گفت: این معادن باید پر شود و به مستضعفین واگذار گردد و شما باید محل دیگری را برای کار پیدا کنید. اما این برای ما خیلی مشکل است، زیرا باید نصف روز برای رفت و آمد صرف کنیم. در این رابطه به استاندار مراجعه کردیم. در آنجا معاون استانداری گفت: فعلا شما هینجا کار کنید به صاحبان زمین هم، که تاکنون ماهی ۱۵۰ تومان می گرفتند، هیچ پولی ندهید»

وی در پایان گفت: «ما در شرایطی که آمریکا علیه انقلاب ایران توطئه می کند، تمام این سختیها را تحمل میکنیم، تا بتوانیم بر دشمن پیر و زشویم، تسلیت سخت کار برسیم. کارگران سنگبری طاقت فرست است. گرمای سوزان آفتاب و بیماریهای ناشی از آن و خطر زیش کوه، جان آنها را تهدید می کند. با اینحال آنها با حقوق کم به این کار ادامه می دهند. می توان برای کم کردن مشکلات آنها، با تسهیلاتی قاطع، در راه تامین زندگیشان کوشید. تصمیماتی چون:

- بیمه کردن آنها، که از طریق عمومی کردن بیمه برای همه افراد جامعه امکان پذیر خواهد بود،
- ایجاد محل کار و یا کار مناسب برای آنها،
- تامین حقوق حقه آنها طبق موازین انقلابی کارگری، که در گرو تصویب قانون کار است.

هتیم و عده ای دیگر از جوانان ما در مبارزه نظامی هستند. اسماعیل زاغی، کارگر دیگر سنگبری، در حالیکه دستهای پینه بسته خود را، که حکایت از کار طاقت فرسای آنها می کند، نشان می دهد، می گوید:

«آفتاب پدرمان را درمی آورد، گرمای اینجا از آتش جهنم بدتر است. یکی از همکاران ما در اثر گرما هریض شد، که او را به یکی از بیمارستانهای شیراز برده اند و تاکنون چندین هزار تومان برای بهبودی او خرج شده است. این کار خیلی مشکل است. ما از هیچگونه مزایایی برخوردار نیستیم و هر روز باید کار کنیم. نه مرخصی، نه تعطیلی، نه یهیه و نه هیچ چیز دیگر».

طبق اطلاع سازمان عمران اراضی شهری استان بوشهر، قرار است زمینهایی را که کارگران سنگبر در آن مشغول کار هستند، برای ایجاد مسکن در اختیار این زحمتکشان قرار گیرد. اسماعیل در این مورد می گوید:

«ما با این مسئله که معادن پر شود و در اختیار مستضعفین قرار گیرد، مخالف نیستیم. ما می گوئیم در این صورت، کاری به ما واگذار شود، تا بتوانیم مخارج روزانه خود را تأمین کنیم».

به معدن دیگری سرزمین، کارگری که ۳۰ ساله بنظر می آید و آثار کار سنگین برداشته و چهره اش مشاهده میشود، می گوید:

«کار کردن در اینجا خیلی سخت است. خودتان می بینید که

شوند، تا در ساختن آنها مورد استفاده قرار گیرند. سنگبرها بیشتر روستائینی هستند که در زمان رژیم مغزور پهلوی، بعثت گرفتن زمینهایشان توسط بزرگ مالکان، به شهر روی آورده اند. برای آشنایی با زندگی و مشکلات کارگران سنگبر، به یکی از معادن رفتیم و با آنها صحبت کردیم.

در این معدن پانزده کارگر کار می کنند. با یکی از کارگران، که پیرمردی است سهپه چرخه، به صحبت می نشینیم. نامش محمد رهبریان است و هشت فرزند دارد. یکی از فرزندانش نیز، که بتازگی دوران سربازی را به اتمام رسانده است، در کنار وی کار می کند. محمد می گوید: «کار ما جان کندن است. اگر يك روز کار نکنیم، در آمدی نداریم. کار ما بیشتر به توانایی افراد بستگی دارد. در تمام طول سال زیر آفتاب سوزان تابستان و بارانهای شدید زمستان جنوب، مجبوریم کار کنیم. در آوردن سنگ بر اینان اتفاقی است. بعضی مواقع ممکن است در طی چند روز کار به سنگدستری پیدا نکنیم. تا حالا نیز بعثت اینکه کارگران محل کار ثابت ندارند، نتوانستیم برای بدست آوردن حقوقمان سندیکا تشکیل دهیم».

وی درباره انقلاب و مبارزه با امپریالیسم آمریکا و تجاوز رژیم صدام می گوید:

«ما تا آنجا که در توان داریم، از امام خستینی و جمه پوری اسلامی پشتیبانی می کنیم. الان ما در جبهه اقتصادی در حال جنگ

پاسخ وزارت مسکن و شهرسازی به نامه «مردم»

نیز منظور گردیده است.

۲- با توجه به بافت و توانایی های موجود دستگاه دولت و نیز تکنها و مشکلات ناشی از آن، سرمایه گذاری دولتی در بخش مسکن نمی تواند تکیه گاه اصلی در برنامه های تامین مسکن قرار گیرد. لهذا ما بر این باوریم که بمنظور مشارکت و خودیاری و بسج هرچه بیشتر مردم محور و منبع اصلی برنامه های تامین مسکن را بر تشکیل شرکتهای تعاونی مسکن قرار داده و دولت نیز در این جهت کمکهای مالی و سیاستهای تجویزی و تشویقی لازم را اعمال نماید»

و مشکلات بررسی نمود و بخش عمده ای از ابعاد مسئله در رابطه با حل مشکلات دیگر از جمله اجرای برنامه های توسعه اقتصادی قابل حل می باشد، متذکر می گردد.

۱- در آمار ذکر شده توسط وزیر مسکن و شهرسازی «احتیاج به احداث ۶ میلیون واحد مسکونی در ۱۰ سال آتی جهت تامین مسکن» در مجلس شورای اسلامی تجدید بنای واحدهای مسکونی که از استاندارد قابل قبول برخوردار نمی باشد و نیز واحدهای مستهلک شده و فرسوده

روابط عمومی وزارت مسکن و شهرسازی در پاسخ عقاله نامه «مردم» زیر عنوان «حل مشکل مسکن یکی از وظایف اساسی دولت است» نامه ای بتاريخ ۱۳۵۹/۹/۱۴ شماره ۵۴۱۱۷۰ به نامه «مردم» ارسال داشته است که در زیر عینا درج میشود:

پاسخ به: «حل مشکل مسکن یکی از وظایف اساسی دولت است»

با تأیید نظر کلی نویسنده مبنی بر اینکه مشکل مسکن را نمی بایست بریده از سایر مسائل

